

سرحدات آن

پرکنه کننت معه سه پته آن اعني  
چوراسي چهيا نوي انزود  
کون

پرکنات  
بل هر اکروي بيبي کد  
بدوهي حويلي چنار  
بکوت اعني پتيتا کريات سيخو

تعلقه

سکتيس کد

پرکنات

اهرورا بهلي

تعلقه

مچيوا

کيرا منکورور

حدود عدالت ضلعه غازي  
پور

چهارم اينکه حکم عدالت ديواني ضلعه غازي پور بر تمامي جاهاي تفصيل الذيل  
جاري خواهد بود

کما فصلت

تصيه غازي پور و سرحدات آن

پرکنات  
حويلي غازي پور زمانيه  
چونسا بره  
ميهايه اعني مهچ بهرول  
مچيوا نرون  
بليا سيمليور بيتره  
سکندر پور خريد  
کوپاچت محمد اباد  
گرها دهما  
ظهرو اباد پاچوتو  
شادي اباد بهري اباد  
گرينده لکهنيسو  
کان پور

تعلقات

چيت

فيمروز پور

ذکر حدود عدالت صلعه  
چون پور \*  
پنجم اینکه حکم عدالت دیوالی صلعه چون پور بر تمامی جاهای تفصیل الذیل  
جاری خواهد بود \*

کما فصلت

پورگنات	قصه چون پور و مرحدات آن
هوایی چون پور انگولی زاری معه تعلقه بدلا پور	
تعلقات عرفی محالات بخشیات	تعلقات
پرگنه پندراها تپه مدارا	کریات مهرا سینکرامو سری مویسارا
	دوست چندوک اعنی دویمی هاله کنج
تعلقات بدستی	پرگنات کیراکت مجهلی شهر اعنی جسوا مندیا هو
گوبالا پور	کدوارا منکرا
تعلقات دورورا دیورای	پرگنات پلسی اصلا
بهیسا	کرلا

ذکر اینکه حدود عدالتها  
مرفومه بموجب حکم  
حضور تبدیل می تواند  
شد \*

ششم اینکه هرگاه گورنر جنرال مناصب خواهند دانست حدود عدالتهای شهر وهر  
سه صلعه مرفوم را تغییر و تبدیل خواهند نمود \*

دفعه پنجم

ذکر جاری بودن احکام  
دفعه پنجم بعد التهای  
شهر و اضلاع بنارس \*

احکام مندرجه دفعه پنجم قانون سوم سنه ۱۷۹۳ عیسوی نسبت بعد التهای اضلاع  
و شهرهای صوبه بنگالا و بهار و اودیسه بموجب دفعه ششم این بر عدالتهای شهر  
و هر سه صلعه بنارس نافذ خواهد بود \*

دفعه ششم

ذکر مهر عدالتها و دافتن  
و بودن آن نزد صاحبان  
عدالت \*

مهر عدالت هر یک صلعه یا شهر بقدر دایره یک تسویه پاور منور از پیمایش  
میان آن باشد و بران عبارت مرفومه الذیل بخط و زبان فارسی و زبان هندی  
خط ناگزی کنند نمود و صاحبان عدالت نزد خود ها داشته باجری امور عدالت  
بکار برند عبارت مهر اینکه مهر عدالت شهر بنارس یا فلان صلعه \*

دفعه هشتم

احکامی و اختیاری که بموجب دفعات هفتم و هشتم و نهم و دهم و یازدهم و دوازدهم و سیزدهم قانون سوم سنه ۱۷۹۳ عیسوی بر صاحبان عدالتهای اضلاع و شهرهای صوبه بنگلا و بهار و اردیسه صادر و مفروض است همان احکام و اختیارات صاحبان عدالتهای شهر بنارس و اضلاع مرزایور و غازی پور و جون پور صادر و مفروض گشت مگر آنکه احکام دفعات مذکور به هیچیک در صوبه بنگلا و بهار و اردیسه نافذ است بهمان نهم در شهر و اضلاع بنارس نافذ خواهد شد \*

دفعه هشتم

صاحبان عدالتهای شهر و اضلاع بناری را امتناع است که باستماع و تجویز و انفصال هیچ یک مقدمه دعوی مداخلت اراضیات که منشاء مخصوصه آن قبل هره ماه جولای سنه ۱۷۷۵ عیسوی شده باشد بردازند و نیز امتناع است در اینکه هر مقدمه که از ایام منشاء آن مدت دوازده سال گذشته و در مدت مذکور گاهی نالاش آن به هیچیک عدالت نرسیده باشد باستماع و تجویز و انفصال آن بردازند الا در اینصورت که مدعی باثبات رساند که او وجه آن مقدمه از طرف ثانی طلبیده بود و او بر واجبی بودن مقرر گردیده یا برای ا-ای آن وعده کرده یا مدعی مذکور اینمعنی باثبات رساند که او در میان مدت مذکور در عدالتیکه مقدمه مذکور قابل تجویز عدالت بود یا پیش حاکم الوقت یا کسانیکه خواه در اینجا اختیار میداشتند خواه در تمامی آن ملک نالاش نموده بود و نیز سبب معقول که او مقدمه مذکور را برای آن نوالش داشته یا اینکه خورد صل یا بدیگر سبب معقول از تلافی استحقاق خود محروم مانده است اما از حکم هذا جمیع مقدمات نسبت به تمسکات قرضه که بموجب قسطبندی ادا شده می آید یا قبل نالاش مدعی در میان مدت دوازده سال قدری ازان ادا شده باشد خارج و مستثنی است و معاد استماع و تجویز و انفصال همگی دعوی نسبت به رهن از روی مذهب مدعی علیه تعلق خواهد داشت \*

دفعه نهم

در مقدمه تمسکی که بعد هره ماه جولای سنه ۱۷۹۵ عیسوی بعمل آمده باشد مالورای در صورتیکه پیش صاحبعدالت باثبات رسد که تمسک مذکور بگواهی دو کس گواه معتبر بعمل آمده است یا اینکه زر مندرجه تمسک خواه از روی نقد خواه جنس خواه و جهمی دیگر تمسک دهنده یافته است در عدالت شهر یا هیچیکضلعه جایز نخواهد بود که درباره ادای زر اینقسم تمسک دیگری شود اما در

ذکر جاری بودن احکام مندرجه دفعه هشتم لغایت دفعه سیزدهم بر شهر و اضلاع بنارس \*

ذکر امتناع صاحبان عدالت شهر و اضلاع بنارس باستماع مقدمه مانیکه بنای آن قبل هره ماه جولای سنه ۱۷۷۵ عیسوی شده باشد و مقدمه مانیکه بنای آن قبل دوازده سال شده اما در عرصه مذکور نالاش آن نرسیده \*

ذکر استثنا از احکام \*

ذکر استثنا ثانی نسبت بمقدمات تمسکات گرونی نامحبات \*

ذکر اینکه برای ادای زر تمسکیکه بگواهی دو کس گواه بعمل نیامده مالورای در صورت ثبوت اینکه زر آن از نقد و جنس

يا وجه ديگر تمسك  
دهنده يافته است دگري  
نخواهد شد \*  
ذکر حالاتيکه در آن امتناع  
مذکور بعمل نخواهد آمد

انفصال مقدمه هندويات و تيمپ و رسم اينقسم امتناع مرعي نخواهد بود  
صرف رواج الملک مرعي خواهد شد و مقدمه داد و ستد مهاجران و صرافان  
بموجب دستور آنها تجویز و انفصال خواهد شد \*

دفعه نهم.

ذکر عدم استماع مقدمه  
که سابق به تجویز صاحب  
ريزيدنت و غيره که اختيار  
تجویز ان مي داشتند  
انفصال يافته بعدالت شهر  
و اضلاع \*  
ذکر اينکه اگر باختيار  
انفصال کننده شبه واقع  
شود از آن بصدر ديواني  
عدالت خبر داده آيد \*

در مقدمه که بموجب دگري سابق يا دفتر عدالت ظاهر شود که مقدمه مذکور  
پيشتر به تجویز صاحب ريزيدنت يا اکنتک ريزيدنت اعني نایب ريزيدنت  
صاحب يا حاکمان ملکی یا کسانیکه اختيار تجویز آن مي داشتند انفصال يافته است  
استماع نمودن اينقسم مقدمه در همچوگه عدالت شهر يا ضلع جايز نخواهد بود  
اما در صورت وقوع اشتباه باختيار کسیکه انفصال کرده است صاحب عدالت حال  
را بايد که از مفصل کوايف آن اشتباه بصاحبان صدر ديواني عدالت اطلاع داده  
مترصد صدور حکم انجا باشد \*

دفعه يازدهم

ذکر جاري بودن احکام  
دفعه هجدهم و غيره  
مرقومه المتن در شهر و  
اضلاع بنارس \*

واضع ولايع باد که احکام مندرجه دفعات هجدهم و نوزدهم و بیست و یکم قانون  
سوم سنه ۱۷۹۳ عيسوي نسبت بعدالتهاي اضلاع و شهرهاي صوبه بنکلا و بهار  
و اوديسه بر عدالتهاي شهر و اضلاع بنارس نالذ خواهد بود \*

دفعه دوازدهم

ذکر اينکه سواي مقدمات  
مذکوره المتن جميع  
مقدمات انفصالي  
عدالتهاي شهر يا اضلاع  
بکورت اپيل مفصل اپيل  
مبتواند شد \*  
ذکر نوشتن سبب دگري

سواي مقدمات مندرجه دفعه چهارم ضمن دفعه ششم قانون دوازدهم سنه ۱۷۹۵  
عيسوي همکي مقدمات انفصالي عدالتهاي ديواني شهر و اضلاع مذکوره الصدر  
بکورت اپيل مفصل بنارس مطابق قواعد مرقومه قانون نهم سنه ۱۷۹۵ عيسوي  
اپيل مي تواند شد و صاحبان عدالتهاي شهر و اضلاع را بايد که در دگريهاي  
عدالت متعلقه خود ها همیشه سبب بنلي آن دگري درج مي نموده باشند \*

## قانون هشتم سنه ۱۷۹۵ عیسوی

قانون در باب جاری نمودن قانون چهارم سنه ۱۷۹۳ عیسوی که مشتمل است بر استماع و تجویز و انفصال مقدمات متعلقه دیوانی عدالتهای اضلاع و هرسه شهر اعنی شهر منظم آباد و شهر جهانگیر نگر و شهر مرشد آباد بتغییر و تبدیل بعض مراتب آن بشهر و اضلاع بنارس و طلب نکردن ضمانت از راجه بنارس و اکتفای او و بعض از صرافان در صورتیکه آنها مدعی علیه شوند و اقامه بتاریخ بیست و هشتم ماه مارچ سنه ۱۷۹۵ عیسوی مطابق شانزدهم ماه چیت سنه ۱۲۰۱ بنکله موافق بیست و یکم ماه چیت سنه ۱۲۰۱ فصلی مطابق شانزدهم ماه چیت سنه ۱۲۰۲ ولایتی موافق بیست و یکم ماه چیت سنه ۱۲۵۲ سمت مطابق پنجم شهر رمضان سنه ۱۲۰۹ هجری \*

### دفعه اول

مقدمه  
حون متصور گردیده که احکام قانون چهارم سنه ۱۷۹۳ عیسوی نسبت باستماع و تجویز و انفصال مقدمات متعلقه دیوانی عدالتهای اضلاع و شهرهای صوبه بنکلا و بهار و اودیسه بتغییر و تبدیل بعض مراتب قابل جاری نمودن شهر بنارس و اضلاع مرزابور و غازی پور و چون باین است و نیز بحد نظر حرمت و توقیر راجه بنارس و اکتفای او شان در صورت بودن مدعی علیه طلب نداشتن ضمانت از آنها و نیز بعض از صرافان بلحاظ اعتبار و از مدت دراز بودن کوتاهی جات آنها مناسب پنداشته شد لهذا احکام مرقومه الذیل ذیل گردید \*

### دفعه دوم

واضح و لایح باد که بموجب احکام مندرجه قانون چهارم سنه ۱۷۹۳ عیسوی که متضمن استماع و تجویز و انفصال مقدمات متعلقه عدالت دیوانی شهر عظم آباد و شهر جهانگیر نگر و شهر مرشد آباد و اضلاع صوبه بنکلا و بهار و اودیسه است بتغییر و تبدیل بعض مراتب مرقومه الذیل استماع و تجویز و انفصال مقدمات متعلقه دیوانی عدالتهای شهر بنارس و ضلع مرزابور و ضلع غازی پور و ضلع چون پور خواهد شد \*

### دفعه سوم

ذکر حکمی که بعرض دفعه پنزدهم صادر شده است \*

دفعه هذا مشتمل است بر دو دفعه اول اینکه بعرض دفعه پانزدهم دفعه مرقومه الذیل معین گردیده \*

دوم اینکه در مقدمات دعاوی و لیهندی یا وراثت یا تزویج و النکاح یا قومیت و غیره زواج و آئین و ملل و مذاهب صاحب عدالت را باید که مقدمه اهل اسلام از روی عرع و مقدمه هندی از روی شاستر انفصال نماید و در صورت اختلاف مذاهب مدعی و مدعی علیه مقدمه موافق مذهب مدعی علیه انفصال خواهد یافت الا اگر مدعی علیه سوای قوم اهل اسلام و هندی مرتد اهل ولایت باشد پس مطابق مذهب مدعی مقدمه فیصل خواهد شد و قاضی و مفتی و پندت را باید که عند المثل در محکمه عدالت برای دادن فتوی یا بیسته حاضر باشند بسبب اینکه هرگاه از آنها فتوی یا بیسته طلب شود بدهند \*

دفعه چهارم

دفعه هدا مشتمل است بر سه دفعه اول اینکه بعرض حکم مندرجه دفعه نهم دفعه مرقومه الذیل مقرر گردید \*

دوم اینکه چون از روی قانون نوزدهم سنه ۱۷۹۵ عیسوی حکم است که بهی کیفیت اراضیات خراجی پنج پنج ساله تیار شود بقیاس اینکه کیفیت اراضیات مذکور تمام و کمال صحیح و درست نوشته شود درین صورت بصاحبان عدالتهای شهر و اضلاع ناکید بلیغ است که آنچه دگری بابت تعلقه یا زمینداری یا پتی داری مشترک یا غیر مشترک یا دیگر زمین خراجی در عدالت متعلقه آنها شود و نیز آنچه دگری از قسم مرقومه الصدر که در باره اجرای آن از اپیل منصل یا صدر دیوانی عدالت بصاحبان موصوفین حکم برسد بلکه هر یک دگری که لایق تغیر و تبدیل در ملکیت تعلقه و زمینداری و غیره مذکور شود نقول انهمه دگری در میان عرصه ده روز از تاریخ صدور یا ورود حکم اجرای آن دگریها بدستخط خودها و مهر عدالت پیش صاحبان کلکتر متعلقه اضلاع خودها و نیز پیش صاحبان مورد ارسال می نموده باشد و نیز باید که خلاصه دگریهای مذکور متضمن تاریخ آن بقید نام هر یک پرگنه یا تعلقه یا طرف یا موضع یا قسمت که دگری آن شود و نام مالکان سابق و نام کسانی که بموجب دگری مذکور پرگنه و غیره مزبور به تصرف خودها دارند و نیز در حالیکه پرگنه و غیره مذکور بحقیقت دو سه کس بطریق شراکت دگری شود کیفیت حصه هر واحد آن بر فرد علیحدہ درج ساخته شامل نقل مذکور بفرستند \*

سوم اینکه پیادگانی را که برای اجرای طلب چتهی یا حکم عدالت تعیین کرده شود آنها بعرض وجه طلبانه مندرجه دفعه بیستم می یوم دو آنه وجه طلبانه خواهند یافت \*

دفعه پنجم

هرگاه در باره اجرای حکم دگری اراضیات ضبطی بموجب دفعه بیست و دوم حکم صادر شود

ذکر اینکه از روی کدام مذهب مقدمات مرقومه المتن انفصال خواهد یافت \*

ذکر اینکه اگر مدعی مذهبی دارد و مدعی علیه مذهبی دیگر پس مقدمه موافق مذهب مدعی علیه انفصال خواهد یافت ذکر استثناء از حکم مذکور

ذکر حکمی که بعرض دفعه نهم صادر شده \*

ذکر اینکه صاحبان عدالت شهر و ضلع نقل هر یک دگری که بعدالت آنها شود یا برای اجرا از اپیل منصل یا صدر دیوانی عدالت آنها برسد بصاحبان کلکتر و صاحبان مورد بفرستند \*

ذکر فرستادن صاحبان عدالت افراد خلاصه دگریهای مزبور و نیز در آنچه مضمون نوشته شود \*

ذکر وجه طاجانه که بعرض طلبانه مندرجه دفعه بیستم پیادگان خواهند یافت \*

ذکر اینکه اراضیات تیکه

قانون هشتم ماده شصت و نهم

صادر شود صاحب عمارتیکه انرا اجرا نماید باید که قطعه بورانه بنام صاحب ملک کمتر  
بفرستد که صاحب موصوف به تحصیل نظر یکه در یک باشد یا یکسری دیگر مجامع  
شامل تحصیل حکم خواهد نمود که اراضیات ملک کور را با اهتمام خود بضمیمه در آورد \*

دفعه ششم

دفعه هدا مشتمل است بر دو دفعه اول اینکه بعضی حکم مندرجه دفعه  
بیست و سوم حکم مرقومه الذیل صادر گردید \*  
دوم اینکه در حالیکه دیگری بخواهد بجز اراضیات کسی متمرد موافق مراتبات مرقومه  
دفعه بیست و دوم بحال مانند گورنر جنرال را اختیار است که اگر ارثان متمرد  
اقبال ادای زر سرکار هر قدر بدهد متمرد واجب الطلب باشد و سرراهی زر  
خراج مغزده اراضیات ملک کور در ضرورت بودن حضور در سرکار و در صورت جوشن  
بني مشترک پیش سرگروه خود یا نزد کسیکه بچي ملک کور شامل پته او باشد نمایند  
آنها را در آن اراضیات قابض گردانند یا اراضیات ملک کوره را از روی مراتباتیکه در  
باره نبلام اینهمه اراضیات ضابطی بقانون بیستم سنه ۱۷۹۵ عیسوی مقرر است  
نیلام گردانند \*

بموجب دفعه بیست و  
نهم ضابطه خواهد بود که ایام بیست  
انرا ضبط نمایند \*

ذکر حکمیکه بعضی دفعه  
بیست و سوم صادر گردید  
ذکر اینکه اگر اراضی ملک کور  
ضمیمه شود گورنر جنرال را  
اختیار است که انرا بوارثان  
متمرد تفویض نماید  
یا نیلام سازد \*

دفعه هفتم

هرگاه پته مستاجر بموجب دفعه بیست و چهارم موقوف کرده شود صاحب ملک کور را  
باید که باقی مالکنداری ذمه او بحسب دفعه بیستم قانون چهاردهم سنه ۱۷۹۳ عیسوی  
که موافق دفعه بیست و چهارم قانون مزبور در باره طلب و وصول زر باقیات  
مستاجر یکه بعلت تهریدی پته او موقوف گردید حکم است از او از مالضامن او  
طلب نداشته مطابق حکم مندرجه قانون ششم سنه ۱۷۹۵ عیسوی طلب دارد و  
مستاجر نقضیر و ار ملک کور را اختیار است که بر نام تعلقه داران و زمینداران و بني  
داران مشترک یا غیر مشترک و کتبه داران و رعایا و عدالت دیوانیکه اجاره بش در  
سرحد انعدالت باشد بدعوی باقیات بابت ایام بحالی پتی خود بطلب نماید \*

ذکر تدبیرات صاحب ملک کور  
در باره مستاجر یکه بموجب  
دفعه بیست و چهارم پته  
او موقوف خواهد شد  
بعمل خواهند آورد \*

۲۰

دفعه هشتم

واضح باد قسمیکه احکام مندرجه قانون چهارم سنه ۱۷۹۳ عیسوی و قانون هدا  
نسبت بمائکان زمین خواه زمینداران خواه تعلقه داران خواه پتی داران مشترک  
یا غیر مشترک خواه مستاجر مالکدار صدر خواه دیگر کسان که از دیگری و حکم  
هیچیک عدالت ضلع خود زور کنند یا از دیگری زور کنند نافذ خواهد شد  
هما نقسم احکام قانون مصدور بر کسانیکه از دیگری و حکم عدالت شهر خود زور  
کنند یا معرفت کسی دیگر زور کنند نافذ خواهد شد \*

ذکر اینکه کسانیکه از حکم  
عدالت ضلع خود زور  
بر آنها قسمیکه حکم  
جاری خواهد شد همان  
قسم حکم بر متمرد  
از حکم عدالت شهر خود  
زور کند جاری خواهد  
گردید \*

دفعه نهم

زبان و خطیکه احکام و دگونی و غیره کافلات متعلقه عدالت صونه بهار نوشته می شود بهمان زبان و خط احکام و دگونی و غیره کافلات متعلقه عدالتهای شهر و اضلاع بخارین نوشته خواهد شد \*

ذکر زبان و خطیکه بدان حکم و غیره متعلقه عدالت بنارس نوشته خواهد شد

دفعه دهم

شرکاء در خواست تحریر پذیرفته بموجب دفعه پنجم قانون چهارم سنه ۱۷۹۳ عیسوی بنام راجه بنارس یا صرافان معتبر آنها که بنوبتی موسوم اند یا اکدای راجه موسوف در عدالت بگذرد پس قسمیکه از دیگر مدعی عایه حسب دفعه مذکور ضمانت گرفتن است بر آنها گرفته نخواهد شد صاحب عدالت صرف اطلاع نامه بقبل مراتب دعوی مستغیث و روز معینه حاضر شدن در محکمه عدالت خواه خود خواه وکیل او بنام مدعی علیه مذکور صادر خواهد نمود و در صورت حاضر نیامدن یا تمامی مراتب اطلاعنامه مذکور بعمل نیامدن به بی توفیری تمام بطور دیگر مدعی علیهم در عدالت طلبیده و حاضر کرده خواهد شد اما توفیر آنها صرف بمقدمات مرقومه صدر که در عدالت شهر یا هیچیکضاغه خود آنها مدعی علیه شوند و مقدمانیکه بکورت اپیل مفصل یا صدر دیوانی عدالت بموجب حکم کورنر جنرل اولاً تجویز خواهد شد یا در کورت اپیل ~~شهر~~ که موافق حکم صدر دیوانی عدالت اولاً تجویز شود تعلق خواهد داشت الا در مقدمات اپیل خواه بکورت اپیل مفصل خواه بصدر دیوانی عدالت بلش تعلق نخواهد داشت و قسمیکه از دیگر مدعی علیهم ضمانت گرفته می شود از آنها گرفته خواهد شد \*

ذکر مقدماتیکه دران عدالت شهر یا اضلاع بعض اشخاص را ضمانت دادن نخواهد شد \*

قانون نهم سنه ۱۷۹۵ عيسوي

قانون مشتمل بر تقرر سرشته كورت اپيل مفصل جهت تجویز و انفصال استغاثت اپيل بابت مقدمات انفصالي عدالتهاي ديواني شهر و اضلاع بنارس و تعين اختيار و سبيل جمع ها اعني صاحبان كورت ملكور و تقرر بعض احكام و آئين در باره تجویز و انفصال استغاثت اپيل و غيره مقدمات كورت ملكور واقع بتاريخ بيست و هفتم ماه مارچ سنه ۱۷۹۵ عيسوي مطابق شانزدهم ماه چيت سنه ۱۲۰۱ بنكته موافق بيست و يكم ماه چيت سنه ۱۲۰۲ فصلي مطابق شانزدهم ماه چيت سنه ۱۲۰۲ ولايتي موافق بيست و يكم ماه چيت سنه ۱۸۵۲ سنه مطابق پنجم شهر رمضان سنه ۱۲۰۹ هجري \*

دفعه اول

چون سابق مقدماتيکه با ريزيدنت صاحب و عاملان تعلق داشت و ديگر مقدمه جميع مقدمات نقل و جنس و نیز مقدماتيکه با سرکار شود بالفعل قابل تجویز و انفصال عدالتهاي ديواني که در شهر بنارس و اضلاع مرزا پور و غازي پور و چون پور مقرر است گردید و متصور گشت که از بوا عشيقه كورت هاي اپيل مفصل اضلاع صوبجات بنكالا و بهار و اوديسه که کیفیت آن بدیباچه قانون پنجم سنه ۱۷۹۵ عيسوي مندرج است تقرر یافته بهمان بواعث كورت اپيل مفصل شهر و اضلاع بنارس مقرر گردد لهذا كورنر جنرل آئين مرقومه الدليل مقرر فرمودند \*

دفعه دوم

یک سرشته كورت اپيل مفصل در شهر بنارس مقرر شده بنام كورت اپيل بنارس مشهور خواهد شد و بجهت انصرام كارهاي متعلقه كورت ملكور سه كس جمع اعني صاحبان كورت ملكور مقرر خواهند شد و بالقباب جمع اول و جمع دوم و جمع سوم معروف خواهند بود و صاحبان موصوفين را بايد که قبل از اجرائي امور عهده خود قسميکه صاحبان عدالتهاي اپيل مفصل صوبه بنكالا و بهار و غيره بموجب دفعه دوم قانون پنجم سنه ۱۷۹۳ عيسوي حلف و دستخط نموده اند همانقسم حلف و دستخط نهائيند \*

ذکر تقرر سرشته كورت اپيل در بنارس  
ذکر تقرر سه كس جمع و القاب و حلف آنها

دفعه سوم

حکم كورت اپيل مفصل بنارس بر شهر بنارس و محلات متعلقه عدالت شهر ملكور و اضلاع مرزا پور و غازي پور و چون پور نازل خواهد بود \*

ذکر حدود كورت اپيل مفصل

دفعه چهارم

محکمه کورت اپیل مفصل در میان شهر بنارس قائم خواهد شد و صاحبان کورت مذکور ماورای ایام دور خود ها که بعد شش شش ماه برای تجویز و انفصال مقدمات جرایم و تخلیص قید یان معین است با یام دیگر در هر هفته سه سه روز هند الاحتیاج زیاده از ان بنابر اجرائی امور کورت اپیل مفصل در میان گوشک وسیع اجلاس نمایند و سواي روز اجلاس و وقت دربار با اجتماع سوال و جواب مقدمات نه پردازند و هیچیک حکم و دگری نه نمایند \*

ذکر حای قیام کورت اپیل مفصل \* ذکر اجلاس صاحبان کورت اپیل در هر هفته سه سه روز هند الاحتیاج زیاده از ان وعدم اجرائی کار عدالت سواي روز اجلاس و وقت دربار \*

دفعه پنجم

مهر کورت اپیل مفصل بنارس باید که مدور باشد و در صورت پیمایش از میان اش بمالدار دوانچ انگریزی گردد و عبارت مرقومه الذیل بزبان و خط فارسی و زبان هندی خط ناگری کده شود عبارت مهر اینکه مهر کورت اپیل مفصل بنارس \*

ذکر مهر کورت اپیل \*

دفعه ششم

اختیاری و ائیدار یکه بصاحبان کورتهای اپیل مفصل صورتجات بنکالا و بهارو اودیسه از ابتدای دفعه ششم لغایت اخر قانون پنجم سنه ۱۷۹۳ عیسوی تفویض یانته بموجب دفعه هدا همان اختیار و اقتدار بصاحبان کورت اپیل بنارس مفوض گردید و مستتر نمالد که احکام مندرجه دفعات مذکور بمرقومه الذیل بتغییر و تبدیل بعض مدارج بر شهر و اضلاع بنارس نافذ خواهد گشت \*

ذکر جاری شدن احکام از ابتدای دفعه ششم لغایت اخر قانون پنجم سنه ۱۷۹۳ عیسوی بر شهر و اضلاع بنارس \*

دفعه هفتم

محلې نمالد که نهجیکه احکام مندرجه قانون پنجم سنه ۱۷۹۳ عیسوی و قانون هدا بر زمینداران و تعلقه داران و دیگر مالکان زمین و مستلجران یا کسی دیگر از ساکنان اضلاع مرزاپور و غازی پور و خون پور در صورت سر تانی و تمد و رزی از دگری یا حکم کورت اپیل مفصل بلدات خود یا از دیگری جاری خواهد شد بهمان نهج بر ساکنان شهر بنارس و محاللات متعلقه آن در صورت تانی یا تمد و رزی از دگری یا حکم کورت اپیل مفصل بلدات خود یا از دیگری جاری خواهد گردید \*

ذکر تدبیرات نسبت بمتمردان شهر بنارس و جاهای متعلقه آن \*

دفعه هشتم

و قنیکه بموجب دفعه بیست و سوم در باره اجرائی حکم دگری بابت اراضیات ضمطی انفاق افتد باید که قطعه پروانه بنام صاحب کلتر بمهر عدالتیکه از انجا اجرا یابد مع دستخط صاحب رجستر صادر نمایند که صاحب موصوف به تحصیلدار یکه قریب

ذکر اینکه اراضیا تیکه بموجب دفعه بیست و سوم ضمط خواهد شد

قريب باشد يا كسي عمده شاغل تحصيل حكم خواهند نمود كه اراضيات ملكور را باهت نام خود بضمط درازد و مالگداري آن تحصيل نمايد \*

ذمه كدام عمده خواهد ماند \*

### دفعه نهم

دفعه هذا مشتمل است بر در دفعه اول اينكه بعوض حكم مندرجه دفعه بيست و چهارم حكم مرقومه انگيل صادر گرديد \*

دوم اينكه در صورتيكه دگري بابت اراضيات كسي متمد بحسب مراتبات مندرجه دفعه بيست و سوم بر قرار ماند گورنر جنرل را اختيار است كه اگر وارثان متمد ملكور اقبال ادبي زر سركار هر قدر بدمه آن متمد واجب الطلب باشد و سربراه نمودن زر خراج مقرري اراضيات ملكور در صورت بودن حضوري در سركار و در صورت بودن پتي مشترك يا غير مشترك نزد سر گروه خرد ها يا نزد كسيكه پتي ملكور شامل پته او باشد نمايد و ارثان ملكور را در آن اراضيات قابض گردانند يا بحسب مراتباتيكه در باب نيلام اينقسم اراضيات ضمطي بقانون بيستم سنه ۱۷۹۵ عيسوي مقرر است نيلام گردانند \*

ذکر حکمی که بعوض دفعه بیست و چهارم صادر گشته \*

ذکر اینکه اگر اراضیات کسی متمد ضبط شود گورنر جنرل را اختیار است که آنرا بر ارثان متمد تفویض نماید یا نیلام گردانند \*

### دفعه دهم

پته مستاجرانيکه بموجب دفعه بيست و پنجم موقوف کرده شود در اخري سنه فصلي موقوف کرده خراشد شد قسميكه بدفعه مذکور در باب موقوفي پته هاي صواجات بنكالا و بهار و اوديسه معين است \*

ذکر موقوفی پته مستاجر بموجب دفعه بیست و پنجم از اخري سنه فصلي

### دفعه يازدهم

در صورتيكه پته كسي مستاجر بموجب دفعه بيست و پنجم موقوف کرده شود صاحب كلكتر را بايد كه باقي زر خراج ذمه اش را بموجب دفعه بيستم قانون چهاردهم سنه ۱۷۹۳ عيسوي كه بموجب دفعه بيست و پنجم قانون ملكور در باب طلب زر باقيات مستاجرانيکه بسبب متمددي پته آنها موقوف گردد حكم اسفا از آنها و از مالضامنان آنها طلب داشته از روي حكم مندرجه قانون ششم سنه ۱۷۹۵ عيسوي طلبدارند و مستاجر اهل تقصير ملكور را اختيار است كه بر تعلقه داران و زمينداران و پتي داران مشترك يا غير مشترك و كلكنه داران و رعایا در عدالت ديوانيكه اجاره او واقع باشد بدعوي باقيات بابت ايام بحالي پته خود نالش نمايد \*

ذکر تل بیرو انیکه صاحب ککتر دربار مستاجر آن که پته آنها بموجب دفعه بیست و پنجم موقوف کرده خواهد شد بعمل خواهد آورد \*

ذکر اینکه بکدام طریق مستاجر باقی خود وصول خواهد نمود \*

### دفعه دوازدهم

ذکر اینکه احکام و کاغذات کورت اپیل عظیم آباد به زبان و خطیکه نوشته

زبان و خطیکه احکام و کاغذات کورت اپیل علاقه عظیم آباد نوشته می شود

قانون نهم سنه ۱۷۹۵ عيسوي

مې خود بهمان زبان و خط  
کاغذات کورت اپیل بنارس  
نوشته خواهد شد \*

بهمان زبان و خط  
کاغذات متعلقه کورت اپیل  
بنارس نوشته خواهد شد \*

A TRUE TRANSLATION,  
H. P. FORSTER.

## قانون دهم سنه ۱۷۹۵ عيسوي

قانون درباب تفويض اختيار بصاحبان صدر ديواني عدالت باستماع و تجویز و انفصال مقدمات انفصالي كورت اپيل مفصل علاقه بنارس و نـشـريـع اختيار يـكـه صاحبان موصوفين نسبت بشهر و اضلاع بنارس خواهند داشت واقعه بتاریخ بیست و هفتم ماه مارچ سنه ۱۷۹۵ عيسوي مطابق شانزدهم ماه چیت سنه ۱۲۰۱ بنگله موافق بیست و یکم ماه چیت سنه ۱۲۰۲ فصلي مطابق شانزدهم ماه چیت سنه ۱۲۰۲ ولایتي موافق بیست و یکم ماه چیت سنه ۱۸۵۲ سنیت مطابق پنجم شهر رمضان سنه ۱۲۰۹ هجری \*

### دفعه اول

مقدمه  
بعلت تقرر سرشته عدالتهاي ديواني بشهر و هر سه ضلع بنارس و سرشته كورت اپيل مفصل و معوض گشتن اختيار بانها مانند اختيار صاحبان ديواني عدالتهاي اضلاع و شهرها و صاحبان كورت هاي اپيل مفصل صوبجات بنكالا و بهار و اوديسه صاحبان صدر ديواني عدالت را ضرور است كه اختيار يـكـه دربارہ استماع و تجویز و انفصال مقدمات انفصالي كورت هاي اپيل واقعه هر سه صوبه مذکورين مي دارند همان اختيار بتغير و تبديل بعض مراتب دربارہ استماع و تجویز و انفصال مقدمات انفصالي كورت اپيل مفصل بنارس بدانند و آنچه حكومت و اقتدار در صوبه بنكالا و بهار و اوديسه مي دارند همان حكومت و اقتدار در شهر و اضلاع بنارس خواهند داشت لهذا احكام مرقومه الذيل صادر گردید \*

### دفعه دوم

مخفي نمائند كه جميع احكام مندرجه قانون ششم سنه ۱۷۹۳ عيسوي متضمن اختيار صاحبان صدر ديواني عدالت بر استماع و تجویز و انفصال مقدمات يـكـه در هيچيك كورت اپيل مفصل انفصال یافته باشد بموجب دفعات مرقومه الذيل بتغير و تبديل بعض مراتب آن نسبت باستماع و تجویز و انفصال مقدمات انفصالي كورت اپيل مفصل بنارس بصاحبان صدر ديواني عدالت تعلق خواهد داشت و حكومت و اقتدار يـكـه بموجب قانون مذکور بصاحبان صدر ديواني عدالت صوبجات بنكالا و بهار و اوديسه حاصل است موافق قانون هذا بصاحبان موصوفين همان حكومت و اقتدار بشهر و اضلاع بنارس حاصل خواهد بود \*

دفعه سوم

مهرشن باند که تمامی احکام مندرجه دفعه نهم و از میان دفعه دهم این مراتب که بدلیل مندرج می شود بشهر و اضلاع بنارس جاری نخواهد شد مراتب مذکوره اینکه در صورت گرفتن اینقسم عرضی هرچه مراتب احتیاط درباب استماع و انفصال مدماتیکه بعد انقضای عرصه معینه اپیل آن شود حسب مندرجه دفعه دوم همین دفعه نهم مرعی دارند \*

ذکر اینکه دفعه نهم و مراتب مرقومه المتن دفعه دهم در بنارس جاری نخواهد شد \*

دفعه چهارم

احکام و دگریهای صدر دیوانی عدالت بزبان و خطیکه برای مدمات صوبه بهار نوشته می شود بهمان زبان و خط احکام و دگری هلی مدمات بنارس نوشته شود \*

ذکر اینکه بزبان و خطیکه دگری و غیره کاعل صوبه بهار نوشته میشود بهمان زبان و خط دگری و غیره بنارس نوشته شود \*

دفعه پنجم

مستتر نماند که قسمیکه احکام مندرجه قانون ششم سنه ۱۷۹۳ عیسوی و قانون هذا بر زمینداران و تعلقه داران و دیگر مانکان زمین و مستاجران متعلقه عدالتهای اضلاع مرزاپور و غازی پور و چون پور در حالت سرتانی و تمرد و رزی بنفس خود یا معرفت دیگری از دگری یا حکم صدر دیوانی عدالت جاری خواهد گردید همانقسم بر زمینداران و غیره متعلقه عدالت شهر بنارس در حالت سرتانی و تمرد و رزی بنفس خود یا معرفت دیگری از دگری و حکم صدر دیوانی عدالت جاری خواهد گشت \*

ذکر اینکه حکمیکه بر متمردان سکنه اضلاع مرزا پور و غیره جاری خواهد شد همان حکم بر متمردان سکنه شهر بنارس جاری خواهد گردید \*

دفعه ششم

هرگاه بموجب دفعه بیست و چهارم برای اجرای دگری بابت اراضیات ضبطی حکم صادر شود هیچ را باید که قطعه پروانه بمهر عدالتیکه از انجا اجرا یابد معه دستخط صاحب رجستر بنام صاحب کلکتر صادر نماید که صاحب موصوف به تحصیلداریکه متصل باشد یا بکسی از عمله شاغل تحصیل حکم خواهد داد که اراضیات مذکوره را بدمه خود بفرق دارد \*

ذکر اینکه اراضیاتیکه بموجب دفعه بیست و چهارم ضبط شود ذمه کدام عمله خواهد ماند \*

دفعه هفتم

دفعه هذا مشتمل است بر دو دفعه اول اینکه بعرض دفعه بیست و پنجم حکم مرقومه الذیل صادر گردید \* دوم اینکه در صورتیکه دگری بابت اراضیات کسی متمرود موافق دفعه بیست و چهارم منظور

ذکر حکمیکه عرض دفعه بیست و پنجم صادر شد \* ذکر اینکه اگر اراضیات

منظور و بحال ماند در اينصورت گورنو جنرال مختار اند که اگر وارثان متهود مذکور اقبال ادای زر سرکار هر قدر بدمه متهود مذکور واجب الطلب باشد و سربراه نمودن زر خراج مقرري اراضيات مذکور در صورت بودن حضوري در سرکار و در صورت بودن پتي مشترک يا غير مشترک پيش رئيس خود ها يا نزد شخصيکه پتي مذکور شامل پته او باشد نمايند و ارثان مذکور را در ان اراضيات ضمطي قابض گردانند يا اراضيات مذکور را از روي مراتباتيکه در باب نيلام اينقسم اراضيات ضمطي بقانون هشتم سنه ۱۷۹۵ عيسوي مقرر است نيلام گردانند \*

مذکور الهمتن ضبط شود گورنو جنرال را اختيار است که انرا بوارثان متهود سپارند يا نيلام سازند \*

### دفعه هشتم

پته مستاجرانیکه موافق دفعه بيست و ششم موقوف کرده شود بايد که در اخري سنه فصلي موقوفي آن بعمل آيد نحويکه بدفعه مذکور در باره موقوفي پته هاي مستاجران صوبه بنکلا و بهار و او ديسه معين است \*

ذکر موقوفي پته مستاجر موافق دفعه بيست و پنجم از اخري سنه فصلي \*

### دفعه نهم

هرگاه پته احدي از مستاجران بموجب دفعه بيست و ششم موقوف کرده شود صاحب ملکتر را بايد که باقي زر خراج ذمه اش را موافق دفعه بيستم قانون چهاردهم سنه ۱۷۹۳ عيسوي که بموجب دفعه بيست و پنجم قانون مذکور در باب طلب و وصول زرباقيات مستاجرانیکه بعلت تمرد پته آنها موقوف گردد حکم است از آنها و از مالضامنان آنها طلب نداشته موافق حکم مرقومه قانون ششم سنه ۱۷۹۵ عيسوي طلبدارند و بوصول درازند و مستاجر مجرم مذکور را اختيار است که بر تعلقه داران و زمينداران و پتي داران مشترک يا غير مشترک و کتکنه داران و رعا يا در عدالت ديوانيکه اجاره اش متعلقه آن باشد بدعوي باقيات بابت ايام بحالي پته خود نالش نمايد \*

ذکر تدبيراتيکه صاحب ملکتر در باب مستاجرانیکه پته آنها موقوف کرده شود بعمل خواهند آورد \*

ذکر اينکه بکدام طريق مستاجر باقي خود وصول خواهد نمود \*

### دفعه دهم

اختيار يکه صاحب ريزيدنت از روي عهده ججي کورت اپيل مفصل علاقه بنارس تا برخاست شدن عهده مذکور در باره موقوف ساختن حکم و عدم استماع و تجویز و انفصال مقدمه که ارجاع مخصوصه آن قبل از دوازده سال شده باشد ميداشتند بالفعل همانقسم اختيار بصاحبان صدر ديواني عدالت نصبت بموقوف داشتن حکم مندرجه دفعه هشتم قانون هشتم سنه ۱۷۹۵ عيسوي در باب ممانعت صاحبان عدالت ديواني شهر و اضلاع بنارس در باره عدم استماع همانقسم مقدمه تفويض يافته و صاحبان صدر ديواني عدالت مذکور براي تجویز اينقسم مقدمه

ذکر اينکه صاحبان صدر ديواني را اختيار است که مقرر ماتيکه بناي مخصوصه آن قبل از دوازده سال شده باشد انرا تجویز کنند \*



## قانون دوازدهم سنه ۱۷۹۵ عيسوي

قانون درباب اجرا نمودن قانون سیزدهم سنه ۱۷۹۳ عيسوي در شهر و اضلاع بنارس که مشتمل است بر تقرر عملة عدالتهای دیوانی و فوجداری و تعیین سبیل آنها واقع بتاریخ بیست و هفتم ماه مارچ سنه ۱۷۹۵ عيسوي مطابق شانزدهم ماه چیت سنه ۱۲۰۱ بنکله موافق بیست و یکم ماه چیت سنه ۱۲۰۲ فصلی مطابق شانزدهم ماه چیت سنه ۱۲۰۲ ولایتی موافق بیست و یکم ماه چیت سنه ۱۸۵۲ سنبت مطابق پنجم شهر رمضان سنه ۱۲۰۹ هجری \*

### دفعه اول

چون احکام مندرجه قانون سیزدهم سنه ۱۷۹۳ عيسوي دربارۀ تقرر عملة عدالتهای ایل مفصل و عدالتهای دایر و سایر و عدالتهای اضلاع و شهرهای صوبه بنکالا و بهار و اودیسه و تعیین امورات آنها و تقرر تدبیرات دربارۀ گرفتن عرایض استغاثه اخذ رشوت یا گرفتن زر بزبردستی که بنام آنها یا نوکران یا متوسلان صاحبان عدالت بگذرد لایق جاری شدن بر عملة و اینقسم مردمان شهر و اضلاع بنارس است لهذا حکم مرقومه الذیل صادر گردید \*

### دفعه دوم

بموجب دفعه هذا قانون سیزدهم سنه ۱۷۹۳ عيسوي بر شهر و اضلاع بنارس نافذ خواهد شد \*

ذکر جاری شدن قانون  
سیزدهم سنه ۱۷۹۳ عيسوي  
در بنارس \*

A TRUE TRANSLATION,

H. P. FORSTER.

[Reg. 12 of 1795—1.]



## قانون هیزدہم سنہ ۱۷۹۵ عیسوی

قانون در باب اجرا نمودن قانون ہفتم سنہ ۱۷۹۳ عیسوی در شہر و اضلاع بنارس کہ مشتمل بر تفرروکلا جہت سوال و جواب مقدمات مرجوعہ عدالتہای دیوانی واقعات صوبہ بنگالا و بہار و اودیسیہ است بتفاوت اینمراتب کہ از راجہ بنارس و ذوی الارحام او و بعضی از صرافان اہل کوتہی در صورت مدعی یا مدعی علیہ شدن ضمانت آنها بطور دیگر مدعی و مدعی علیہ کہ برای رسوم و کلا گرفتہ می شود گرفتہ نخواہد شد واقعہ بتاریخ بیست و ہفتم ماہ مارچ سنہ ۱۷۹۵ عیسوی مطابق شانزدہم ماہ چیت سنہ ۱۲۰۱ بنگلہ موافق بیست و یکم ماہ چیت سنہ ۱۲۰۲ فصلی مطابق شانزدہم ماہ چیت سنہ ۱۲۰۳ ولایتی موافق بیست و یکم ماہ چیت سنہ ۱۸۵۲ سنہت مطابق پنجم شہر رمضان سنہ ۱۲۰۹ شجری \*

### دفعہ اول

بسمیکہ و کلا برای سوال و جواب مقدمات مرجوعہ عدالتہای دیوانی صوبہ بنگالا و بہار و اودیسیہ مندرجہ دیماچہ قانون ہفتم سنہ ۱۷۹۳ عیسوی مقرر شدند بدان سبب قانون مذکور قابل اجرا ساختن شہر و اضلاع بنارس است و مناسب دانسنہ شد کہ از سبب مندرجہ دیماچہ قانون ہفتم سنہ ۱۷۹۵ عیسوی کہ متضمن است در اینکہ از راجہ بنارس و ذوی الارحام او و بعضی از صرافان اہل کوتہی در حالت مدعی علیہ شدن آنها بطور دیگر مدعی علیہ ضامن گرفتہ نخواہد شد در صورتیکہ آنها مدعی یا مدعی علیہ شوند بجهت رسوم و کلا از آنها ضامن گرفتہ نہ شود لهذا حکم مرقومہ الذیل صادر گردید \*

### دفعہ دوم

موافق دفعہ ہذا قانون ہفتم سنہ ۱۷۹۳ عیسوی بتفاوت اینمراتب در شہر و اضلاع بنارس جاری خواہد شد شرح مراتب مذکورہ اینکہ حکم گرفتن ضامنیکہ بموجب دفعہ نهم قانون مذکور از مدعیوں و مدعی علیہم است از راجہ بنارس و ذوی الارحام او و بعضی از صرافان اہل کوتہی کہ ذکر آن بدفعہ دهم قانون ہفتم سنہ ۱۷۹۵ عیسوی کردہ شدہ است در صورت مدعی یا مدعی علیہ شدن احدی از آنها در شہر و اضلاع بنارس یا بابت ہسچیک مقدمہ کہ گورنر جنرل برای اول تجویز آن بکورت اپیل مفصل یا صدر دیوانی عدالت امر نمایند یا مقدمہ کہ صاحبان صدر دیوانی عدالت برای اول تجویز آن بکورت اپیل مفصل حکم دهند ضامن گرفتہ نخواہد شد \*

A TRUE TRANSLATION,

H. P. FORSTER.

ذکر اینکہ قانون ہفتم سنہ ۱۷۹۳ بقدری تفاوت در شہر و اضلاع بنارس جاری خواہد شد \*



## قانون چهاردهم سنه ۱۷۹۵ عيسوي

قانون متضمن اجرا ساختن قانون چهل و نهم سنه ۱۷۹۳ عيسوي در شهر و اضلاع بنارس که مشتمل است در باب انسداد وقوع خانه جنگي که گاه باشد در صورت قضيه سيوانه اتفاق افتد و تعلق داشتن احکام قانون مذکور نسبت بخصوصت و قضيه تلابها و چاهها و نهرهاي واقعات شهر و اضلاع مذکور واقعه بتاريخ بيست و هفتم ماه مارچ سنه ۱۷۹۵ عيسوي مطابق شانزدهم ماه چيت سنه ۱۲۰۱ بنکه موافق بيست و یکم ماه چيت سنه ۱۲۰۲ فصلي مطابق شانزدهم ماه چيت سنه ۱۲۰۲ ولايتي موافق بيست و یکم ماه چيت سنه ۱۸۵۲ نسبت مطابق پنجم شهر رمضان سنه ۱۲۰۹ هجري \*

### دفعه اول

بسببیکه قانون چهل و نهم سنه ۱۷۹۳ عيسوي درباره عدم وقوع خانه جنگي بابت مناقشه سيوانه و سرحدات واقعه صوبجات بنکالا و بهار و اوديسه مقرر و کيفيت آن بدیباچه اش مندرج است بهمان سبب درباب عدم وقوع خانه جنگي و قضا يا بابت مناقشه تلابها و چاهها و نهرها واقعه شهر و اضلاع بنارس تعلق خواهد داشت لهذا حکم مرقومه الذيل صادر گردید \*

### دفعه دوم

ازروي دفعه هدا احکام قانون چهل و نهم سنه ۱۷۹۳ عيسوي در شهر و اضلاع بنارس تنقيد خواهد يافت و بر جميع قضايا و دعاوي که فيما بين زمينداران و تعلقه داران و پتي داران مشترک يا غير مشترک و غير مالکان زمين و کتکنه داران و رعا يا بابت تلابها و چاهها و نهرها بوقوع آيد تعلق خواهد داشت \*

ذکر جاري کردن قانون  
چهل و نهم سنه ۱۷۹۳  
عيسوي در مقل مات  
مرقومه المتن \*

A TRUE TRANSLTION,

H. P. FORSTER.

[Reg. 14 of 1795—1.]



## قانون پانزدهم سنه ۱۷۹۵ عيسوي

قانون درباب تفويض بعض مقدمات بنا بر تجویز پراجه بنارس و جاری نمودن قانون شانزدهم سنه ۱۷۹۳ عيسوي در شهر و اضلاع بنارس که مشتمل است بر تفويض بعض مقدمات بتجویز ثالثان و تعلق داشتن تجویز بعض مقدمات از فواب ناظم ماورای دفعه دهم قانون مذکور واقع بتاریخ بیست و هفتم ماه مارچ سنه ۱۷۹۵ عيسوي مطابق شانزدهم ماه چیت سنه ۱۲۰۱ بنکه موافق بیست و یکم ماه چیت سنه ۱۲۰۲ فصلي مطابق شانزدهم ماه چیت سنه ۱۲۰۲ ولایتي موافق بیست و یکم ماه چیت سنه ۱۸۵۲ سنیت مطابق پنجم شهر رمضان سنه ۱۲۰۹ هجری \*

### دفعه اول

پیش از تقرر عدالتها بشهر و اضلاع بنارس با کثر ساکنان آنها احتیاج رجوع ساختن مقدمات خودها پیش ثالثان می گردید و بعد تقرر عدالتها نیز وقوع اینمعنی است چنانچه اکثر اوقات مدعی و مدعی علیه رو بروی صاحبان عدالت اقبال اینمعنی مینمایند که مقدمات آنها بچند کس همسایه یا غیر ذاک تفویض یابد که آنها به تجویز و انفصال آن پرداخته فیصلنامه خودها در عدالت ارسال نمایند که بر طبق آن به ملاحظه و منظوری صاحب عدالت دگری گردد بهد نظر اینمعنی گورنر جنرل خراش متواتر دارند که بعض مقدمات متخاصمین برای تجویز حسب اقبال آنها به ثالثان تفویض یابد و نیز مناسب بنداشتند که بعض مقدمات بنا بر تجویز به راجه بنارس مفوض گردد لهذا احکام مرقومه الدلیل صادر فرمودند \*

### دفعه دوم

بجسب دفعه هدا سرای دفعه دهم در و بست قانون شانزدهم سنه ۱۷۹۳ عيسوي در شهر و اضلاع بنارس نافذ خواهد گشت \*

ذکر جاری شدن قانون شانزدهم سنه ۱۷۹۳ عيسوي سواي دفعه دهم در شهر و اضلاع بنارس

### دفعه سوم

دفعه هدا مشتمل است بر تدفيع اول اینکه در صورتیکه همچیک عرضي نالش

ذکر مقدماتیکه پراجه

صاحب مفروض خواهد شد \*

متضمن بیجا گرفتن مالکداری یا برخلاف نمودن از قول و قرار پته یا باز یافت کردن اراضیات کشتاپن یا قسم دیگر اراضی لاجراحی. واقعه جاگیر محاللات بدرهی یا گیوا منگورو یا گنکا پور زمینداری موروثی راجه پیش صاحب عدالت شهر یا هیچیک ضلع یا کورت اپیل مفصل بگذارد صاحب عدالت را نمی باید که بتجویز و انفصال آن پردازد باید که بمستغیث حکم نماید که او پیش راجه صاحب یا دیوان او رفته نالش نماید و در صورتیکه پیش راجه موصوف یا دیوان تدارک نالش او نه شود باید که پیش صاحب کلکتر نالش نماید و صاحب کلکتر بموجب شرایط عهد و پیمان مرقومه الدلیل که بتاریخ بیست و هفتم ماه اکتوبر سنه ۱۷۹۴ عیسوی فیما بین صاحب ریزیدنت بنارس و راجه مهیب نراین و ثوق یافته بود تدارک و تلافی آن خواهد نمود اما کسیکه خود را مظلوم پندارد او را اختیار است که اولاً پیش صاحب کلکتر عرضی نالش خود بگذراند و صاحب کلکتر را باید که از مقدمه مذکور بر راجه صاحب و عمله اطلاع داده باتفاق راجه صاحب یا عمله او شان مستغیث را بحق واجبی او برساند \*

ذکر شرایط عهد و پیمان دفعه سوم \*

دوم اینکه عهد و پیمان دفعه سوم که بتاریخ بیست و هفتم ماه اکتوبر سنه ۱۷۹۴ عیسوی فیما بین صاحب ریزیدنت بنارس و راجه مهیب نراین تنسیق یافته بود این است در صورتیکه کسی از ساکنان جاگیر و التمغا و خاص اراضی راجه مهیب نراین سنگه در مقدمه مالکداری یا اراضی خیرات پیش انگریزان اهلکار سرکار نالش نماید پس تجویز آن قسمیکه پیشتر در اینچنین مقدمات باقتضا واسترضای مستر دنکین صاحب و راجه موصوف می شد هما تقسم تجویز خواهد شد قواعد تجویز سابق اینکجه چون صاحب کلکتر در اینچنین مقدمات نسبت از صاحبان عدالت زیاده تر علاقه میدارد لهذا اقرار اینمعنی در میان آمده که همگی این چنین مقدمات معرفت راجه صاحب یا عمله اش باطلاع و واقفیت صاحب کلکتر انفصال خواهد یافت و صاحب کلکتر را باید که پاس حرمت و توقیر راجه موصوف نماید واضح و لایح باد که مدنظر کمپنی انگریز بهادر این است که حق احدی از ساکنان بنارس تلف نشود و دران اختلال راه نیابد در اینصورت عهد اینمعنی موافق گشته که اگر بعد تفویض هیچیک مقدمه بر راجه صاحب یا عمله کچهری او مستغیث یا مظلوم بداد خود نرسد پس راجه موصوف را باید که بصورتیکه در وقت مستردنکین صاحب نسبت بانفصال این چنین مقدمات می پرداختند همان صورت بصلاح و مشورت صاحب کلکتر متوجه باشند و منظور سازند و صاحب کلکتر را لازم است که همواره در جمیع امور پاس حرمت و توقیر راجه موصوف که عین مقصد سرکار است می نموده باشند و خدا نخواستہ

قانون پانزدهم سنه ۱۷۹۵ هيسويه

نخواستہ اگر اینچنین اتفاق افتد کہ بعلت اختلاف رای صاحب ملکتر و راجہ  
مرصوف هیچیک مقدمہ انفصال نیابد پس انفصال مقدمہ مذکور را گورنر جنرل  
تعلق خواهد داشت \*

A TRUE TRANSLATION,

H. P. FORSTER.

[Reg. 16 of 1795-3.]



## قانون شانزدهم سنه ۱۷۹۵ عيسوي

قانون درباب دستگیر نمودن مردمان اهل جرایم شهر و اضلاع بنارس و تجویز کردن مقدمات آنها و تفویض نمودن اختیار اجرای بعض احکام متعلقه کورت اپیل بیکی از صاحبان کورت مذکور در حالت دور نمودن دیگر دو صاحبان کورت مزبور برای تجویز مقدمات متعلقه عدالت دایر و سایر تدبیرات نسبت بغیبت یا علالت کسی از صاحبان مرصوفین یا قاضی یا مفتی یا مخلا بودن خدمت قضا یا افتنا واقعه بتاریخ بیست و هفتم ماه مارچ سنه ۱۷۹۵ عيسوي مطابق شانزدهم ماه چیت سنه ۱۲۰۱ بنگله موافق بیست و یکم ماه چیت سنه ۱۲۰۲ فصلی موافق شانزدهم ماه چیت سنه ۱۲۰۲ ولایتی مطابق بیست و یکم ماه چیت سنه ۱۸۵۲ سنیت موافق پنجم شهر رمضان سنه ۱۲۰۹ هجری \*

### دفعه اول

در سنه ۱۷۸۱ عيسوي در شهر بنارس سرشته عدالت مقرر گردیده بود در آن اختیار مقدمات تجویز مقدمات فرجداري تفویض یافته و در سنه ۱۷۸۸ عيسوي در قصبه غازی پور و چون پور و مرزابور سرشته عدالت ها مقرر گشته همانقسم اختیار در آن عدالت ها مفوض گردیده بود و گورنر جنرل بصاحب ریزیدنت بنارس اختیار ملاحظه و منظوری رویداد مقدمات عدالت های مذکور و ملاحظه و منظوری رویداد مقدمات ملکی فرجداري عدالت که سواي شهر و قصبات مذکور بجهت تجویز مقدمات تمامی ملک بنارس مقرر و معین گشته بود و ذکر آن بقانون بیست و دوم سنه ۱۷۹۵ عيسوي است تفویض نموده بودند و نیز بصاحب ریزیدنت مرصوف اختیار بود که امورات فرجداري تمامی ملک بنارس بدینوجه بتقدیم خواهند رسانید که اهل جرایم را بگیر در آورده برای تجویز بعدالت های فرجداري خواهند فرستاد چون درینرلا گورنر جنرل نظر بر عدم وقوع مفاسد بشهر و اضلاع بنارس مقرر و منصوب فرمودن صاحبان انگریز را در عهد فرجداري و تقرر سرشته عدالت دایر و سایر برای تجویز مقدمات اهل جرایم بموجب شرایطیکه برای صوبه بنکالا و بهار و اودیسه مقرر است مناسب دانستند و این معنی هم قرین صلاح گردیده که چیزی تدبیر برای انصرام امور متعلقه کورت اپیل مفصل در حالت دور نمودن صاحبان عدالت دایر و سایر بجهت تجویز مقدمات متعلقه عدالت مذکور پسر حالت غایب یا علیل بودن صاحبان

موصوفین یا قاضی یا مفتی یا مولا بودن خدمت قضا یا افتا بعمل آورده شود  
لهذا احکام مرقومه الذیل صحیحین فرمودند \*

دفعه دوم

بصاحبان عدالتهای دیوانی شهر بنارس و اضلاع مرزا پور و غازی پور و چون پور  
تفریض اختیار امر فوجداری نموده شد و پیش از اجرا نمودن احکام نسبت  
بمقدمات فوجداری صاحبان موصوفین را باید که تسمیحه صاحبان فوجداری  
اضلاع و شهرهای صوبه بنگالا و بهار و اودیسه بموجب دفعه دوم قانون نهم سنه  
۱۷۹۳ عیسوی حلف نموده اند همانقسم حلف نموده بر حاشیانه دستخط  
نمایند \*

ذکر حلفیکه صاحبان  
عدالت دیوانی شهر و  
اضلاع بنارس در عهده  
فوجداری خواهند نمود \*

دفعه سوم

بمقتضی اختیار یکیک صاحب فوجداری تا حدود عدالت دیوانی متعلقه آنصاحب  
خواهد بود \*

ذکر حدود اختیار فوجداری

دفعه چهارم

دفعه هذا مشتمل است بر شش دفعه اول اینکه اختیاریکه بصاحبان فوجداری  
اضلاع و شهرهای صوبه بنگالا و بهار و اودیسه از ابتدای دفعه چهارم لغایت دفعه  
سیم قانون نهم سنه ۱۷۹۳ عیسوی مفروض است بموجب دفعه هذا همان اختیار  
بصاحبان فوجداری شهر بنارس و اضلاع مرزا پور و غازی پور و چون پور تفریض  
یافت صحیحی نمائند که احکامیکه بدفعات مذکور تصریح یافته است حسب مرقومه  
الذیل بتغییر و تبدیلی بعضی مدارج آن همگی بر شهر و اضلاع بنارس جاری  
خواهد شد \*

ذکر اینکه احکام مندرجه  
از ابتدای دفعه چهارم  
لغایت دفعه سیم قانون  
نهم سنه ۱۷۹۳ عیسوی  
در بنارس جاری خواهد  
شد

دوم اینکه اشتها داده میشود که اگر کسی در خانه احدی یا موضعی آتش زند  
آنکس قابل دادن ضمانت نخواهد بود \*

ذکر لایق ضمانت گرفتن  
نشدن احدی بجرم آتش  
زین خانه

سوم اینکه صاحب فوجداری شهر بنارس احکام مندرجه دفعه سیزدهم و سیم  
قانون نهم سنه ۱۷۹۳ عیسوی که نسبت بصاحبان فوجداری شهر عظیم آباد و  
مرشد آباد و جها نکیر نکر است بعمل خواهد آورد \*

ذکر اینکه صاحبان فوجداری  
شهر بنارس بموجب دفعه  
سیزدهم و سیم اجرائی  
امورات فوجداری خواهد  
نمود

چهارم اینکه صاحبان فوجداری را باید که جمله کاغذات مصری زبان هندی حرف  
ناگزی یا بنکه را مع ترجمه اش بزبان و خط فارسی بصورتیکه صاحبان فوجداری  
اضلاع صوبجات بنگالا و غیره را بموجب دفعه شانزدهم نسبت بکنندرا نیدن کاغذ  
بنکه مع ترجمه اش حکم است هما بصورتیکه کنندرا نیده باشند و همه عدالت  
دایر و سایر ترجمه مذکور را در اصل کاغذات مقابله خواهند نمود \*

ذکر اینکه ترجمه کاغذات  
مصری زبان هندی و  
بنکه را عمل عدالت  
دایر و سایر باصل مقابله  
خواهند کرد

پنجم اينکه صاحبان فوجداري را بايد که کرايف همکي استغاثت و احکامیکه بر آن صادر نمايند در دفاتر انگريزي و فارسي برنگارند \*

ششم اينکه اختيار يکه بصاحبان فوجداري بموجب دفعه بيست و چهارم در باب دادن وجه انعام بابت گرفتار نمودن شمشورتيان و دکيتان شب يا روز و قطاع الطريقتان و آتش زندگان خانه يا موضع يا بابت بگيرد در آوردن قصد کنندگان اينهمه افعال مستنکر مفروض است هما نقسم اختيار بصاحبان عدالتهاي فوجداري شهر و اضلاع بنارس مفروض گرديد \*

ذکر نوشتن کيفيت استغاثات  
و احکام بدفتري انگريزي  
و فارسي  
ذکر دهانيدن انعام  
بسبب گرفتار نمودن  
شمشورتيان و غيره

دفعه پنجم

بمد نظر تجريز مقدمات اهل جرايم يک عدالت دايرو و ساير در شهر و اضلاع بنارس مقرر خواهد شد و بنام عدالت دايرو و ساير بنارس موسوم خواهد گشت \*

ذکر مقرر شدن سرشته  
عدالت دايرو و ساير در  
شهر و اضلاع بنارس

دفعه ششم

حکم عدالت دايرو و ساير در شهر بنارس و قرب جوار آن که به تحت اختيار عدالت ديواني شهر مرقوم باشد در اضلاع مرزا پور و غازي پور و جون پور نافذ و جاري خواهد بود \*

ذکر حدود اجرائي حکم  
عدالت دايرو و ساير

دفعه هفتم

صاحبان عدالت دايرو و ساير را بايد که قبل جاري نمودن احکام خود ها بموجب احکامیکه در باب حلف صاحبان عدالت دايرو و ساير صوبه بنگالا و بهار و اوديسه بدفعه سي و چهارم قانون نهم سنه ۱۷۹۳ عيسوي مقرر است حلف نمايند \*

ذکر حليمیکه صاحبان  
عدالت دايرو و ساير  
خواهند نمود

دفعه هشتم

صاحبان رجستر و استنته رجستر متعلقه کورت اپيل مفصل رجستر و استنته عدالت دايرو و ساير نیز خواهند شد و قبل اجرائي امور عهد خود ها قسمیکه صاحبان رجستر و استنته رجستر عدالتهاي دايرو و ساير صوبجات بنگالا و غيره را بموجب دفعه سي و پنجم قانون نهم سنه ۱۷۹۳ عيسوي حکم حلف نمودن است همانقسم پيش صاحبان عدالت دايرو و ساير حلف خواهند نمود \*

ذکر اينکه رجستر و استنته  
رجستر کورت اپيل کار  
رجستري و استنتي  
عدالت دايرو و ساير نیز  
خواهند نمود

دفعه نهم

قاضي و مفتي و پندت کورت اپيل مفصل عدالت دايرو و ساير نیز قاضي و مفتي و پندت خواهند بود و تا که بمشور گورنر جنرل نلايقي يا تصور يا تقصير بابت

ذکر اينکه قاضي و مفتي  
کورت اپيل مفصل عدالت

## قانون شانزدهم سنه ۱۷۹۵ عيسوي

اجرای امور متعلقه آنها یا بند اطواری و افعال نامستحسن آنها متعلق نه شود  
از خدمت خودها معزول نخواهند گردید \*

### دفعه دهم

قاضی و مفتی عدالت دایر و سایر را باید که قسمیکه قاضی و مفتی عدالتهای  
دایر و سایر صوبجات بنکلا و غیره را بموجب دفعه سی و هفتم و سی و هشتم  
قانون نهم سنه ۱۷۹۳ عيسوي حکم حلف کردن است همانقسم حلف نمایند \*

### دفعه یازدهم

پندت یا پندتان عدالت دایر و سایر را که بموجب دفعه سوم قانون یازدهم سنه  
۱۷۹۵ عيسوي مقرر شوند بر حلفنامه که برای پندت یا پندتان متعلقه کورت اپیل  
مفصل بحسب دفعه هفتم قانون دوازدهم سنه ۱۷۹۳ عيسوي معین است که  
بموجب قانون یازدهم سنه ۱۷۹۵ عيسوي در شهر و اضلاع بنارس جاری گردیده  
دستخط کردن خواهد شد \*

### دفعه دوازدهم

صاحبان کورت اپیل مفصل و عدالت دایر و سایر از سرشته دار و غیره عمه کورت  
اپیل مذکور عندالاحتیاج کارهای عدالت دایر و سایر خواهند گرفت و از عمه  
عدالت دایر و سایر منداً لِحاجت کارهای اپیل خواهند گرفت \*

### دفعه سیزدهم

بجهت اجلاس تجویز مقدمات قیدیان اضلاع مرزابور و غازی پور و چون پور  
هر سال دو دفعه دو درکس صاحبان عدالت دایر و سایر دور خواهد نمود  
دفعه اول بتاريخ غره ماه اپریل و دفعه ثانی بتاريخ غره ماه نوامبر از جای استقامت  
خودها برای دور اضلاع مذکور روانه خواهند شد و باستقامتگاه صاحبان فوجداری  
اضلاع مذکور بموجب دفعه چهاردهم و شانزدهم قانون هذا وارد گردیده تا  
زمانیکه ماورای هیچیک مقدمه که ملتوی داشتن آن بعلت حاضر نیامدن کواه یا  
بسبب دیگر ضرور شود به تجویز دیگر مقدمات جمیع اهل جرایم اضلاع مذکور  
که صاحبان فوجداری در قید یا ضمانت داشته باشند با تمام نرسانند و صادر نمودن  
احکام در مقلد ماتیگه به آنها اختیار است نمایند و صادر نمودن احکام در مقلد ماتیگه  
بأنها اختیار نیست رویداد آن بعدالت نظامت ارسال نمایند در انجا قیام  
خواهند داشت \*

دفعه

دایر و سایر نیز قاضی  
و مفتی خواهند شد \*

ذکر حلف نمودن قاضی  
مفتی

ذکر حلفنامه که پندتان  
بر آن دستخط خواهند  
نمود

ذکر گرفتن کارهای عدالت  
دایر و سایر از عمه  
کورت اپیل و گرفتن کار کورت  
اپیل از عمه عدالت  
دایر و سایر

ذکر اینکه دور صاحبان  
عدالت دایر و سایر برای  
تجویز مقدمات قیدیان  
هر سال دو مرتبه بعمل  
خواهد آمد \*

ذکر وارد گردیدن و قیام  
نمودن صاحبان موصوف  
باستقامتگاه صاحبان  
فوجداری تا تجویز نشدن  
تمامی مقدمات \*

## قانون شانزدهم سنه ۱۷۹۵ عيسوي

### دفعه چهاردهم

بمد نظر عجلت انجام تجویز مقدمات قیدیان یکیک ضلع باید که عدالت دایر و سایر درحالت دور بد و عدالت منقسم گشته دور یکیک عدالت باهتمام یکیک چیج بعمل آید و در هنگام دور باید که صاحب رجستر و مفتی یا قاضی همراه یک چیج باشد و همراه چیج دیگر استنته رجستر و مفتی یا قاضی بروند و پندت یا پندتان را نیز بدور دایر و سایر رفتن خواهد شد یا صاحبان عدالت دایر و سایر را هرگاه در مقدمه دهرنه اعنی استمداد بموجب قانون بیست و یکم سنه ۱۷۹۵ عيسوي استخراج بمسته ضرور شود پندتان مذکور را خواهند طلبید و در صورتیکه صاحبان عدالت دایر و سایر در اوقات دور بودن رجستر و استنته رجستر بجای استقامت برای ترجمه رویداد مقدمه تیکه ارسال داشتن آن در عدالت نظامت جایز است یا برای اجرای کار دیگر متعلقه عهداً آنها ضرور دانند اختیار است که آنها را بجای استقامت گذارند \*

ذکر منقسم گردیدن عدالت دایر و سایر در اوقات دور بد و عدالت \*  
ذکر رفتن رجستر یا استنته و قاضی یا مفتی همراه یکیک چیج \*  
ذکر اینکه پندت را یکدم وقت رفتن خواهد شد \*  
ذکر اینکه صاحبان عدالت رجستر و استنته رجستر را بجای استقامت داشتن می توانند \*

### دفعه پانزدهم

دفعه هذا مشتمل است بر دو دفعه اول اینکه یکی از صاحبان عدالت دایر و سایر بجای استقامت خواهد ماند و کارها تیکه صاحبان عدالت های دایر و سایر صوبه بکلا و بهار و اودیسه که بجای استقامت خود بمانند بموجب دفعه دوازدهم قانون هفتم سنه ۱۷۹۴ عيسوي بعمل آرند همان کارها صاحب موصوف بعمل خواهد آورد واضح باد که احکام دفعه مذکور در بنارس جاری خواهد شد \*  
دوم اینکه صاحبان چیج علی الترتیب بجای استقامت خواهند ماند \*

ذکر بودن یکی از صاحبان چیج بجای استقامت اجرای کاریکه خواهند کرد \*

ذکر علی الترتیب ماندن صاحبان چیج بجای استقامت \*

### دفعه شانزدهم

عدالت دایر و سایر بموجب دفعه چهاردهم منقسم گشته صاحبان عدالت مذکور با ضلع مرقومه الدیل دور خواهند نمود \*  
دور یکیک عدالت

در اضلاعیکه صاحبان عدالت دور خواهند نمود

در ضلع جون پور و ضلع غازی پور

دور دیگر عدالت

در ضلع مرزا پور

### دفعه هفدهم

صاحبان عدالت دایر و سایر در اضلاع مندرجه دفعه شانزدهم علی الترتیب دور ذکر اینکه یکیک چیج را

قانون شانزدهم سنه ۱۷۹۳ عیسوی

در یکیک عدالت تواتر  
رفتن نخواهد شد \*

ذکر مختار بودن صاحبان  
عدالت نظامت در باره  
موقوف ساختن احکام  
مندرجه دفعه هدا و دفعه  
دوم ضمن دفعه پانزدهم

ذکر اینکه دفعات هفتم و  
هشتم قانون هفتم سنه  
۱۷۹۴ عیسوی در بنارس  
جاری خواهد شد \*

نخواهند نمود اعنی کسی جج و قاضی یا منتمی و پندت و اگر آینده دو کس  
پندت مقرر شوند اوهم در یکعدالت دو مرتبه تواتر دور نخواهند نمود اما  
صاحبان عدالت نظامت را اختیار است که احکام مندرجه دفعه هدا و دفعه  
دوم ضمن دفعه پانزدهم اگر مناسب دانند موقوف خواهند نمود \*

دفعه شصت و نهم

احکام مندرجه دفعات هفتم و هشتم قانون هفتم سنه ۱۷۹۴ عیسوی در اضلاع  
بنارس نافذ خواهد شد و صاحبان جج عدالت دایر و سایر را بعرض دور نمودن  
اضلاع مندرجه دفعه پنجم قانون هفتم سنه ۱۷۹۴ عیسوی باضلاع مندرجه دفعه  
شانزدهم قانون هدا دور نمودن خواهد شد \*

دفعه نوزدهم

ذکر اینکه صاحبان عدالت  
بعد فراغت از دور اضلاع  
بزودی رسیده اجلاس  
نمایند \*

ذکر اینکه سوای ایام دو  
عدالت های دایر و سایر  
صاحبان موصوف ماه به ماه  
شهر اجلاس نمایند \*

و اینکه صاحبان عدالت دایر و سایر یکیک دور اضلاع که حکم دور نمودن انجام  
است بانمام رسانند بر طریق تعجیل بجای استقامت واقع بنارس داخل شده باید  
که ججیکه ماسبق داخل شوند بهجرد داخل شدن انجامه تجویز و انفصال مقدمات  
کسانیکه در شهر بنارس بقید و ضمانت باشند پرداخته باتمام رسانند و باز یکی  
از صاحبان موصوفین بعد مرور یکماه سوای ماه داخل شدن خود ها از تاریخ  
غره هر یکماه هر قدر اجلاس که برای تجویز و انفصال مقدمات قیدیان شهر  
مذکور و قرب و جوار متعلقه آن ضرور شود بعمل آرند تا که نوبت دورثانی رسد  
چنانچه تصریح اینمعنی اینکه منلا اگر صاحبان موصوفین بتاریخ پانزدهم ماه  
جنوری بشهر مذکور داخل شوند بهجرد داخل شدن خود ها به تجویز مقدمات  
کسانیکه در آن شهر بقید و ضمانت باشند پرداخته بعد انجام آن باز از تاریخ غره  
ماه مارچ اجلاس نمایند و نیز بهمان وتیره از تاریخ غره هر یک ماه آینده  
اجلاس می نموده باشند تا که نوبت دورثانی رسد الا در صورتیکه غره هیچیک  
ماه به یوم الاحد شود به یوم مرقوم اجلاس نشده به یوم دوم آن اجلاس  
بعمل آید بلکه در هیچیک حالت اجلاس عدالت دایر و سایر کاهی به یوم  
الاحد بعمل نیاید \*

دفعه بیستم

ذکر اینکه صاحبان عدالت  
ماه به ماه مقدمات اهل

هر ماه تجویز مقدمات اهل جرایم شهر بنارس از روی دفعه مرقومه الصدر همواره  
یکیک کس از هر سه صاحبان جج عدالت دایر و سایر علی الترتیب خواهند  
نمود

نمود و ديگر دوکس صاحبان جج کارهاي متعلقه کورت اپيل اجرا خواهند نمود \*  
 جرايم شهر بنارس تجويز خواهند نمود \*

دفعه بيست و يکم

احکام مندرجه دفعه سيزدهم و چهاردهم قانون هفتم سنه ۱۷۹۴ عيسوي در اضلاع و شهر بنارس جاري خواهد گشت و نيز احکام مندرجه دفعه چهاردهم قانون مذکور بر پندت يا پندتان مرعي خواهد شد \*

ذکر جاري شدن احکام مندرجه دفعه سيزدهم و غيره در بنارس و تعلق داشتن حکم دفعه چهاردهم بر پندت \*

دفعه بيست و دوم

اختيار يکه بصاحبان عدالتهاي دايرو ساير صوبجات بنکالا و غيره بموجب قانون نهم سنه ۱۷۹۳ عيسوي از ابتدای دفعه چهل و هفتم لغایت آخر قانون مذکور تفويض یافته همان اختيار بصاحبان عدالت دايرو ساير بنارس بموجب قانون هذا مفروض گشته و اختيار يکه صاحبان عدالت نظامت بر صاحبان عدالتهاي دايرو ساير صوبجات بنکالا و غيره مي دارند همان اختيار بموجب مندرجه دفعات مذکور بر صاحبان عدالت دايرو ساير بنارس خواهند داشت و جميع احکام دفعات يکه ذکرش بدفعه هذاست بموجب دفعات مرقومه الذيل تغيير و تبديل بعض مراتب ان در بنارس جاري خواهد شد \*

ذکر اينکه احکام مندرجه دفعه چهل و هفتم تا آخر قانون نهم سنه ۱۷۹۳ عيسوي تغيير و تبديل بعض مراتب بموجب دفعات مرقومه الذيل در بنارس جاري خواهد شد \*

دفعه بيست و سوم

احدي از برهمنان بسياست قتل نخواهد رسيد در صورت يکه برهمن از روي شرع واجب القتل خواهد شد بعوض آن صاحبان عدالت نظامت در باب اخراج او از انملک حکم صادر خواهند نمود و صاحبان عدالت دايرو ساير را نمي بايد که فتوي قتل برهمن مذکور دهند اما روپداد مقدمه اش پيش صاحبان عدالت نظامت بنابر حکم آخر ارسال خواهند داشت \*

ذکر اينکه کسي برهمن بسياست قتل نخواهد رسيد \*

دفعه بيست و چهارم

دفعه هذا مشتمل است بر دو دفعه اول اينکه بعوض دفعه شصت و دوم حکم مرقومه الذيل صادر گرديد \*

ذکر حکم يکه بعوض دفعه شصت و دوم صادر گشته

دوم اينکه صاحبان عدالت دايرو ساير را بايد که در هر دور مهور سخانه فوجداري را معاينه نمايند و يکي يا زياده ازان صاحبان عدالت مذکور مهور سخانه فوجداري واقعه شهر بنارس را بعد سه سه ماه يک يک مرتبه عند الحاجة زياده

ذکر معاينه نمودن مهور سخانه فوجداري

قانون شانزدهم سنه ۱۷۹۵ عيسوي

ازان معاینه نمایند و نیز باید که آنچه حکم صاحبان فرجداري صحفاً ظلت و احتیاط  
و بارام داشتن قیدیان مناسب دانند صادر نمایند \*

A TRUE TRANSLATION,

H. P. FORSTER.

## قانون هجدهم سنه ۱۷۹۵ عيسوي

قانون درباب تقور سرشته مقررہ پوليس مستقل شهر واضلاع بنارس واقعہ بتاريخ  
بست و هفتم ماه مارچ سنه ۱۷۹۵ عيسوي مطابق شانزدهم ماه چيت سنه ۱۲۰۱  
بنگه موافق بيست و يكم ماه چيت سنه ۱۲۰۲ فصلي مطابق شانزدهم ماه چيت  
سنه ۱۲۰۲ ولايتي موافق بيست و يكم ماه چيت سنه ۱۸۵۲ سنبت مطابق پنجم  
شهر رمضان سنه ۱۲۰۹ هجري \*

### دفعه اول

در صورت مقرر کردن سرشته مقررہ پوليس مستقل در شهر واضلاع بنارس بدو صورت  
مستحسن است يکي جهت بازداشتن مردمان از ارتکاب انواع جرايم و تقصيرات  
دومي بعد گرفتار آمدن مفسدان و تقصيرواران تجویز معاملات آنها باسرع  
الحال و بلا طرفداري شود و نیز مالکان اراضي و مستاجران در قبوليت خودها  
بدینمضمون اقرار نوشته داده بودند که مایان نزدیک تحصیلداران که پیشتر باسم  
عاملان موسوم بودند جواب ده اینمعني خواهيم شد که در املاک و معاملات  
اجاره مایان هنگامه نخواهد گردید و هنگامه پردازان و مفسدان را گرفتار خواهيم  
ساخت و دزدان و شمشونیان و قطاع الطریقان را پناه نخواهيم داد و آنها را  
گرفتار ساخته جهت تجویز بیش صاحب فوجداري خواهيم فرستاد و نیز آنچه مال  
واجناس در سرحد مایان بدزدی و یا شمشونی یا قطاع الطریقی بغارت رود سبیل  
آن از دزدان و شمشونان و قطاع الطریقان کرده بمالک مال خواهيم رسانید و الا از نزد  
خود ها نشان آن خواهيم ساخت و در صورتیکه هر یک مالکان اراضي یا مستاجران  
بواسطه حفاظت و نگهبانی ملکیت و اجاره خود ها اقرار کرده بودند همانصورت  
هریک تحصیلدار در سرکار برای حفاظت درو بست پرگنه متعلقه خود یا قدری  
از آن که کار پوليس یا تحصیل مالراجب آن پرگنه تعلق بانها داشت اقرار  
کرده بودند بدین مضمون که بسبب دزدی یا شمشونی یا قطاع الطریقی هرچه  
نقصان آید و روند شود از مالک اراضي یا مستاجر که در سرحد آنها اینقسم  
افعال مذموم بوقوع آید خواهند یافت اما مالکان اراضي و مستاجران و  
تحصیلداران که جوابدهی غارتگری ذمه آنها بود اظهار نمودند که اکثر اوقات  
اجناس و لوازمات بیوپاریان و غیره بدزدی یا شمشونی یا قطاع الطریقی که میرفت  
سبب آن اینست که بوقت شب بیوپاریان و غیره در موضع وارد نگردید بصحرا  
و جنگل فرود می آمدند و از رسیدن خود ها خبر نمی دادند که پاسبانی

و حفاظت نمودن آید بنه علیه بتاریخ بیست و نهم ماه جنوری سنه ۱۷۸۹ عیسوی  
 وزیدنت صاحب بدین مضمون اشتهار نامه داده بودند که اگر کسی بوقت شب  
 در صحرا یا جنگال وارد گردد و مال و اجناس او بدزدی یا شمشونی یا قطاع الطریقی  
 بغارت رود دعوی آن از عاملان یا مالکان اراضی یا مستاجران کردن نخواهد  
 توانست و نیز اگر در قصه یا موضع وارد نگردیده و از رسیدن خود ها اطلاع  
 نداده باشند دعوی تاوان بابت مال مسروقه و مغروقه کردن نخواهند توانست  
 اما بعد سنه ۱۷۸۹ مذکور به خاطر گذشت که بر تحصیل ازان و مالکان اراضی و  
 مستاجران واجب بود که خبر رسیدن تجاران و مسافران بسرحد خود ها از  
 خود میگردانند و به حفاظت و خبر گیری آنها می پرداختند و نیز مخطور گشت  
 که غایت هر واحد از تاجر و بیوپاری و مسافر و متردد دریافتن نتوانسته که خبر  
 رسیدن او بقصه یا موضع دادن می شد و نیز بر خلاف عدل و داد متصرف  
 گشت که بیوپاریان و غیره بر سائیدن خبر این معنی صهر و نسبانی می نمودند  
 که باعث آن از مالکان اراضی و مستاجران و عاملان دعوی مال مسروقه و مغروته  
 کردن نمی توانستند لهذا در تمامی دیار همین دستور مقرر کردند که تحصیل ازان  
 و مالکان اراضی و مستاجران جوابده نزدی و شمشونی و قطاع الطریقی شارع  
 عام و جنگستان نخواهند شد اگر باثبات رسد که مالکان اراضی و مستاجران  
 و غیره مجال مدافعت دزدان و شمشونان و قطاع الطریقان نمیداشتند لکن اگر  
 بیوپاریان و غیره اگر در آبادی اعنی مسکن مردمان فرا آیند آنچه مال و  
 اجناس آنها بدزدی و شمشونی و قطاع الطریقی بغارت رود نشان آن ذمه آنها خواهد  
 بود که خبر ورود بیوپاری و غیره فته باشند یا نه اگر از روی کیفیت نزدی با  
 شمشونی یا قطاع الطریقی صاحب فوجداری دریافت نمایند که این نزدی با شمشونی  
 یا قطاع الطریقی با اطلاع آنها شده یا نه بی خبر گیری و محافظت آنها بوقوع  
 آمده لهذا در صورت دریافت این همه مراتب برای حاصل نمودن مقاصد مرقومه  
 الصلح و جهت سرشته مقرره پولیس مستقل در شهر بنارس و قصه مرزا پور  
 و غازی پور و چون بپور احکام بتفصیل الذیل مقرر و مندرج گردید \*

دفعه دوم

پولیس شهر و قلاع بنارس باهنمام صاحب فوجداری ذمه تحصیل ازان خواهد  
 شد و به تبعیت آنها مالکان اراضی و مستاجران جوابده این معنی خواهند شد که  
 بعلاقه آنها به سبب فساد نخواهد گردید و بهاس حفظ و حراست بیوپاریان  
 و مسافران و غیره چوکیات راه اردکن تا مرزا پور مقرر گردیده بعهد بعضی کسان  
 تدویس یافته که آنها مشاخره از پرست می یابند و آنچه نزدی و شمشونی  
 و قطاع

فکر اینکه پولیس شهر و  
 قلاع بنارس ذمه  
 تحصیل ازان خواهد  
 گردید مالکان اراضی و غیره  
 جوابده خواهد شد \*

## قانون هفدهم سنه ۱۷۹۵ عيسوي

وقطاع الطريقي در سرحد متعلقه آنها شود بموجب تهرليت خود هان شان آن خواهند ساخت \*

### دفعه سوم

بدانند که آينه تصميلداران و مالکان زمين و مستاجران جوابده اين مراتب خواهند شد که اگر در سرحد ملکيت و اجاره آنها دزدی يا شمشوني بوقوع خواهد آمد اول تصميلدار نشان خواهد کرد بعد آن مالکان زمين و اجاره داران نزد تصميلداران نشان خواهند کرد قسمي که بتفصيل هشتم دفعه چهاردهم و دفعه پانزدهم قانون دوم سنه ۱۷۹۵ عيسوي مندرج گرديده است اما تصور بايد کرد که تصميلداران و مالکان زمين و مستاجران جوابده دزدی شمشوني و قطاع الطريقي شارع عام و جنگستان نخواهند گرديد اگر متحقق نشود که از اينمعي آگاه بودند و طاقت باز داشتن دزدان و شمشونيان ميداشتند اما درباره دزدی و شمشوني مسکن مردمان جوابده خواهند شد گوخير رسيدن بيوپاری و غيره داشته باشند يانه ليکن باز خواست اينمعي منحصر بران است که از روی کیفیت صاحب فرجداري دريافت نمايند که اين دزدی و شمشوني و قطاع الطريقي باطلاع آنها يانه بيخبري آنها واقع گشته \*

### دفعه چهارم

مکاناتيکه مع زمين و ديهاات لاخراحي متعلقه سرحد يک تصميلدار باشد آنهمه محدود عملش در عمل عمله يک پوليس متصور خواهد شد و حفاظت آن ذمه تصميلدار ملکور خواهد گرديد و هريک مالکان زمين و مستاجران انجا را جوابدهي علاقه خود هان پيش تصميلدار لازم خواهد بود \*

### دفعه پنجم

تمامي علاقه هان پوليس بقيد لمر مقرر خواهد شد و هريک جائتيکه داروفه و عمله در انجا قيلم و رزدموسوم بان اسم خواهد گرديد و صاحبان فرجداري بغير حکم حضور در استقرار کچهري پوليس و شمار لمر و نام و حدود مکانات متعلقه ان تغير و تبديل کردن نخواهند توانست \*

### دفعه ششم

هرگاه صاحب فرجداري دريافت نمايند که همچيک تصميلدار از سادہ لومي و نازمي و بد معاملي يا بوجه ديگر لايق کار نيست بصاحب موصوف واجب

خواست رفت تا که بحضور  
گورنر جنرال نلیانقت او  
ثابت نشر شد

است که کیفیت نارسائی او در حضور گورنر جنرال ارسال نمایند و گورنر جنرال به  
نسبت بمعالی یا معزولی او هر چه مناسب دانند حکم خزانگی فرمود \*

دفعه هشتم

ذکر اینکه مدعی اختیار  
دارد کفالتش به نفع منجون  
و غیره خواه پیش صاحب  
فوجداری پیش راه تحصیلدار  
نمایند و تحصیلداران را  
باید که مقدمه مذکور  
پیش صاحبان فوجداری  
ارسال نمایند \*

اگر کسی بمقدمه خون یا زهر زنی یا نقب یا دود به با جرم دیگر بر کسی در روز دوازده  
باشد بر تغذیر آنکس پیش صاحب فوجداری بدش کردن وسواعت اختیار دارد  
فرد تحصیلدار بیکه بناه ان کنهکار بعلاقه او وقوع کردیده یا در صورت قرار گردید  
کنهکار مذکور نزد تحصیلدار بیکه در علاقه اش سراغ کنهکار مذکور یافته شد در آن  
نقش نمایند و تحصیلدار مذکور را باید که کنهکار مذکور را در فی الفور گرفتار سازد  
بشرطیکه از او از قسم خون یا زهر زنی یا نقب زنی یا سرته یا دیار گناه کبیره صورت  
شده باشد در عرصه بیست و چهار ساعت که عبارت از هشت پاس است باحتمال  
کافی پیش صاحب فوجداری بفرستند و اگر استحقاق مقدمه مرقوم منجمله در مذمت  
قابل فیصل صاحبان فوجداری باند کنهکار را باین قرار کفالت گرفته بگذارند که  
قبل مذکور او را به یوم معین پیش صاحب فوجداری حاضر سازد و در صورتیکه  
کنهکار مذکور حاضر ضامن معتدل ندهد بدارن ندراند تحصیلدار را باید که  
بعرصه بیست و چهار ساعت او را پیش صاحب فوجداری روانه نمایند و بعد  
رسیدن کنهکار مرقوم پیش صاحب فوجداری صاحب موصوف را باید که نسبت به  
کنهکار مذکور قسمیکه در صورت دستگیر گردیدن او بدست او یزوارن اعنی دستک  
خود احکام بکار می بردند بعمل آرند \*

دفعه نهم

خواست مداران را  
اختیار است نه سواهی  
امناع مرقومة المنن  
مجرمان را بگیرد آرند \*

کسانیکه در حالت مرتکب گردیدن شروع بفساد بنظر در آیدند و کسانیکه مردمان در  
پس آنها بشورشعف در آیدند و کسانیکه نزد آنها سال مغرورانه برآیدند و کسانیکه  
تذکره آنها بدفعه دهم قانون هدا خراشد شد به تحصیلداران اختیار است  
آنها را بغير گذشن عرضي استغاثه و بدون دستک گرفتار سازند الا در  
حالت غیره مندرجه صدر تحصیلداران را ممانعت است که بغير گذشن در  
خواست دعوی بهمهر و دستخط فریادی و بلا اصدار دستک بهمهر و دستخط خود  
هیچکس را گرفتار نسازند \*

دفعه دهم

ذکر اینکه تحصیلداران

تحصیلداران را باید که در تمامی معاملات از فریادی و شاهدان او در باره حاضر  
آمدن

را باید که از مدعی و کراهان  
و جهت اینکه هرگاه  
مدعی علیه ایش صاحب  
فوجداری حاضر آید  
آنها نیز حاضر شوند حاضر  
ضامنی بگیرند \*

مدعی و مدعیان صاحب فوجداری بروز معین حاضر ضامن بگیرند و تفصیل یوم  
معین اینکه بمعاملاتی که حاضر ضامن مدعی علیه گرفته شود و یومیکه جهت  
حاضر آمدن مدعی علیه معین گردد فریادی و شاهدان او نیز همان یوم حاضر  
شوند و در معاملاتیکه در میان مدعی علیه پیش صاحب فوجداری ضرور شود  
یومیکه مدعی علیه بن صاحب فوجداری نواند رسید فریادی و کراهان او نیز  
همان یوم حاضر خواهند شد \*

### دفعه دهم

ذکر اینکه تحصیلداران  
را حکم است که نسخونیان  
مشهوره غیره مفسدان را  
بگیرند و آورده پیش صاحب  
فوجداری بفرستند \*

به تحصیلداران خبر رسد که در علاقه اش سهمخونیان و قطاع الطریقان مشتهر  
ماه گرفته اند باید که همانساعت آنها را دستگیر کرده با احتیاط تمام پیش صاحب  
فوجداری بفرستند و جمیع مردمان قوم دلچ و سرسبز که بشغل کیری شهرت دارند و  
دیگر مردمان زن و مشرب و اویش که در علاقه اش مصدر اوصاع و افعال  
استحسن باشند و ظاهرا وجه معیشت آنها نمیچ نماید عند الاستفسار باظهار  
حوال خودها هم کماحقه نتوانند پرداخت و کسانیکه بر آنها کمان بدی واقع  
بد اینهمه را بگیرند در آورده پیش صاحب موصوف بفرستند و صاحب فوجداری را  
باید که از آنها و فرزندان و مسکن و احوال او وجه معاش آنها اطلاع داشته  
شدن بکاف پرسان احوال آنها شوند در صورتیکه بعد تجویز و تنقیح متصور  
و که آنها مردم فتنه انگیز و مفسدانند پس آنها را بکار بسته بندی و غیره  
مچنین کارها مامور سازند و آنها نالغنگامی که فعل ضامن معتبر ندهند یا مردمان  
بل اعتبار رغبت نوکر داشتن آنها نکنند یا صاحب فوجداری بمشاهد اطوار و  
زجاج آنها یقین نه اندازند که در صورت رها شدن هیچیک حرفت و هنر که موجب  
زحمت کلداری به نیک کرداری تواند شد اختیار خواهند نمود در قید خواهند  
زد و هرچه یکی از وجوه هفت مرقومه بظهور خواهد آمد رهای خواهند یافت در  
صورتیکه احدی از آنها پیش از رهای یافتن بگریزد گرفتار کرده مقید سازند و  
ا مدت شش ماه بکارهای سخت مامور دارند \*

ذکر اینکه صاحبان  
فوجداری را باید که از  
بد معاشان و غیره بکلف  
استفسار احوال کرده  
تجویز واقعی نمایند و  
تا نه فعل ضامن معتبر  
ندهند بقیه دارند \*

ذکر اینکه مردمان مفسدان  
را قید داشته تا شش ماه  
بکار شدیدی مامور دارد \*

### دفعه یازدهم

ذکر اینکه تحصیلداران  
را باید که مجرمان را  
گرفتار ساخته پیش صاحب  
فوجداری روانه نمایند  
و به تجویز و تنقیح مقدمات

مستتر نماید طریقه تحصیلداران کار پولیس نسبت بمردمانیکه بنام آنها  
الش رسد موقوف بر همین است که آنها را گرفتار ساخته خواه با احتیاط کلی پیش  
ساحبان فوجداری روانه سازند خواه جهت احضار پیش صاحبان موصوفین  
حاضر ضامن آنها بگیرند و تحصیلداران را در ماده رهای آنها اصلا حکم نیست  
و بیکی ازین وجوه که موافق مندرجه دفعه هفتم گذشت حاضر خواهند شد \*

## قانون هفدهم سنه ۱۷۹۵ عيسوي

آيد يا مطابق مرقومه دفعه دوازدهم راضي نامه فرقيمن داخل خود و نیز باید که تحصیلداران مذکورین به تجویز و تحقیق هیچیک مقدمه نه پردازند و فیصل نه نمایند و از متخاصمین یا کواهان یا مردمان دیگر چیزی تاوان نگیرند و آنها را چیزی سزا ندهند \*

### دفعه دوازدهم

در معاملات خفیه مانند زد و کوب و غیره مرقومه دفعه هشتم قانون نهم سنه ۱۷۹۳ عيسوي که اختیار و انفصال آن بصاحبان فوجداری است تحصیلداران را به خلاص ساختن مدعی علیه اختیار است بدینصورت که مدعی راضي نامه محتوی بر باز آمدن استغاثه خود و مدعی علیه راضي نامه مشتمل بر قبول آن پیش تحصیلداران مذکورین داخل سازد و باید که در راضي نامه‌های طرفین کواهی دو دو کس کواه معتبر باشد و تحصیلداران را باید که راضي نامه‌های مذکور را شامل بهی رویداد ماهوار پیس صاحبان فوجداری ابلاغ دارند در صورتیکه متخاصمین این قسم راضي نامه ندهند باید که مقدمه آنها پیش صاحب موصوف رجوع شود اما اختیاریکه از روی دفعه هفدهم در معامله دزدی خفیه که بدفعه نهم قانون نهم مذکور مندرج است و انفصال آن تعلق بصاحبان فوجداری دارد به تحصیلدار نمی رسد \*

ذکر اینکه تحصیلداران بخلای نمودن مدعی علیه که متهم معامله خفیه باشند اختیار دارند بشرطیکه طرفین راضي نامه داخل سازند

جایز نیست که اختیار مرقومه الصدر در باره دزدی خفیه بعمل آید

### دفعه سیزدهم

تمامی کوداتیان که هر جا بطریق چوکیداران متعلقه کچهوی پولیس داشته می شوند و جمیع چوکیداران و پایکان و پاسمانان و دوسادان و نگهبانان و پروسان و پاسیان و هادیان و غیره هر قسم محافظان مواضعات بکار پولیس محکوم حکم تحصیلداران متصور خواهند شد و تحصیلداران را باید که بهی اسم نویسی آنها نزد خودها بدارند و در وقت تغییری یا وفات یکی از محافظان مرقومین زمیندار یا هر شخصیکه اختیار مقرر کردن دیگر بجای او دارد هرگاه مردمی دیگر را در آن کار مقرر سازد نام او نوشته نزد تحصیلدار فرستد که بر طبق مرقومه الصدر اسم نویسی مذکور در بهی داخل شود \*

ذکر اینکه جمیع محافظان دیهات زیر حکم تحصیل داران خواهند ماند و تحصیلداران بهی اسم نویسی آنها خواهند داشت

### دفعه چهاردهم

طریق کوداتیان و پایکان و غیره نگهبانان دیهات که تذکره آن بدفعه سیزدهم است اینکه کسانیکه در حالت مرتکب گردیدن در خون یا رهزنی یا نهب زنی یا سره بنظر در آیند و کسانیکه همیش مردمان بشورو غرها باشند آنها را گرفتار

ذکر اینکه طریق کوداتیان و غیره محافظان مواضعات این است که شخصونیان و

غیره بد معاشران را گرفتار  
ساخته نزد تحصیلدار  
روانه نمایند \*

ساخته نزد تحصیلدار پولیس روانه نمایند و شخصانی که بر دیهات و ناحیه متعلقه محافظت آنها و پویش گردیده باشند و مردمان شریر و مفسد و غیره که در آن ناحیه لوبرکی دارند و به حسب ظاهر وجه معاش آنها چیزی نباشد و نیز باظهار کوائف احوال خود ها کماحقه نتوانند پرداخت خبر آن همه مردمان هرچه به سرعت تمامتر پیش تحصیلدار رسانند در صورتیکه کودتایان و غیره نکهبان مذکورین مطابق این حکم بمنز محافظت و غیره مندرجه صدر نخواهند پرداخت بموجب درخواست صاحب فوجداری معرفت کسانی که آنها را بکار نکهبانی معین کرده باشند معزول خواهند شد بلکه در صورت اثبات اینکه آنها در پناه دادن و مخفی داشتن کسی از مجرمان و مردمان بدکار مندرجه دفعه صدر ممد بوده اند یا بنوعی از بد فعلی آنها اغماض کرده اند به سزای واقعی خواهند رسید \*

### دفعه پانزدهم

ذکر تفویض اختیار  
بصاحبان فوجداری و عمله  
پولیس شهر بنارس و اضلاع  
مرزا پور و غیره صوبه بهار  
در باب تعاقب دزدان و  
غیره بدکاران \*

اختیاری که از روی دفعه هذا بصاحبان فوجداری شهر بنارس و اضلاع مرزا پور و غازی پور و جونپور و صاحبان فوجداری صوبه بهار و عمله پولیس متعلقه آنها نسبت بعلاقی یکدیگر داده شده تشریحش اینکه از تحصیلداران و داروغه ها و غیره عمله هائی پولیس متعلقه شهر و اضلاع بنارس تابع یک صاحب فوجداری هر یکی را اختیار است که بذریعه دستک صاحبمصرف یا بغیر آن جهت گرفتار ساختن کنهکاران و بدکاران خواه در میان علاقه تحصیلدار و داروغه تابع صاحب خود خواه آن تحصیلدار و داروغه از تابعین صاحب ضلع دیگر خواه از تابعین صاحب شهر یا هیچ یک ضلع بنارس یا هیچیک ضلع صوبه بهار یا شهر عظیم آباد باشند پیروی بعمل آرند و صاحبان فوجداری و تحصیلداران و داروغه ها و غیره عمله هائی پولیس و مالکان زمین و مستأجران و کماشکان مواضع مزراعان آنها و دیگر جمیع کسان را که اختیار دارند یا باشند سرحدیکه برای گرفتار ساختن کنهکاران و بدکاران مذکورین در آن سرحد تعاقب کنند حکم است که جهت گرفتار ساختن کنهکاران و بدکاران مذکورین حتی الوصح ممد و معاون شوند لیکن معلوم باید کرد که این اختیار مشتمل صاحبان فوجداری و عمله پولیس متعلقه آنها صرف به نسبت مقدمه مجرمانی که در سرحد آنها جرم کرده اند و یا مجرم موقوف در سرحد دیگر جرم کرده در وقت نالش کردن مدعی مجرم موقوف در سرحد او باشد صاحبان فوجداری و تحصیلداران و داروغه هائی شهر بنارس و یکی از اضلاع آن وهم صوبه بهار را امتناع است که برای گرفتار نمودن مجرمیکه جرم او در علاقه آنها واقع نگردیده و بوقت رسیدن

نالش هم در صورتی که علاقه آنها نمیشد و این امری دستک صادر کنند در چنین حالت مستغیث را باید که پیش صاحب فوجداری شهر یا ضلع بنارس یا صوبه بهار تحصیلدار یا داروغه که گناه آن کنهکار در اینجا بظهور آمده یا کنهکار مذکور در اینجا بوده باشد نالش نماید \*

### دفعه شانزدهم

در حالیکه عمده پولیس متعلقه یکی از صاحبان فوجداری مطابق اختیار مندرجه صدر کنه کاران را در علاقه صاحب فوجداری دیگر گرفتار سازند باید که اگر در اضلاع بنارس گرفتار گردد فرد اسم نویسی کنهکاران مذکور را بقید گناه پیش تحصیلدار بفرستند و اگر در صوبه بهار گرفتار شود پیش داروغه انجا بفرستند و تحصیلدار و داروغه پولیس مذکور را باید که فرد مذکور را پیش صاحبان فوجداری علاقه خود ها بمعجلت ارسال دارند \*

ذکر اینکه در صورتیکه عمده پولیس کسی کنهکار را گرفتار سازد فرد اسم نویسی آن نزد تحصیلدار و داروغه بفرستند

### دفعه هفدهم

هر تحصیلدار یا داروغه هر قدر شمشونیان را گرفتار سازد بعد اثبات گناه آنها سری نفر شمشونیان ده روپیه بطور انعام از سرکار خواهد یافت و نیز هر قدر مال مسروقه و مغروته پیدا کند بشرط گرفتار آمدن سارقان و غارتگران مال مذکور و ثبوت گردیدن گناه آنها بر بهای مال مذکور سری صد ده روپیه بطور انعام از مالک خواهد یافت و بهای مال مذکور از تجویز صاحب فوجداری یا شخصیکه صاحب موصوف او را جهت این امر معین سازند مقرر خواهد شد بعد آن صاحب موصوف را باید که وجه انعام مذکور از مالک مال یا وکیلش به تحصیلدار یا داروغه بد هانند در حالی که مالک مال بادایش انکار نماید صاحب موصوف را اختیار است که از جمله مال مذکور آنقدر مال که بفروش آن ادای وجه انعام مذکور تواند شد در نیلام بفروشند و باقی را بمالک مال رسانند \*

ذکر اینکه تحصیلداران و داروغهها اگر شمشونیان گرفتار سازند ده روپیه فی نفر انعام خواهند یافت و در صورت اثبات جرم مجرم بر قیمت مال مسروقه و مغروته فی صد ده روپیه خواهند یافت \*

### دفعه هجدهم

تحصیلداران و داروغه ها را باید که در هر یک قصبه و بازار و گنج و هات بوز هائیکه در آن هات و بازار شود و نیز جائیکه میلا از روی مذهب یا نوع دیگر گردد خرد ها بر ود یا از عمده خود ها یکمک کس یا الزون از آن تعیین نمایند تا اینکه چیزی قصبه و هنکامه و مساد فیما بین مشتریان و بایعان و غیر ذلک که در هات و بازار و میلا شد آمد دارند بوقوع نیاید \*

ذکر اینکه تحصیلداران و داروغه ها بوز هات در هات یا بازار و میلا برونند تا اینکه چیزی قصبه و هنکامه نگردد \*

دفعه نوزدهم

ذکر اینکه تحصیلداران و داروغه ها ماه به ماه بهی رسیداد ماهوار پیش صاحبان فوجداری برداک سرکار ارسال می نموده باشند والا حسب استرضای صاحب فوجداری \*

تحصیلدار و داروغه هر یک علاوه را حکم است که بهی رسیداد ماه به ماه پیش صاحب فوجداری علاوه خود ها ترسیل دارند و در بهی مذکور نام کسانی که آنها را گرفتار ساخته باشند بقید حقیقت جرایم به تاریخ گرفتار آمدن آنها و نیز آن تاریخ که در آن تاریخ پیش صاحب فوجداری روانه گردیده یا مطابق دفعه هفتم کفیل داده رهایی یافته یا موافق دفعه نوزدهم از انفصال مقدمه بموجب رضینامه طرفین خلاص شده باشد مرقوم سازند بلکه هر کار یکی از متعلقات ذمه خود ها بعمل آورده باشند آنرا هم از نام سازند و بتاریخ پنجم هر ماه آینده بهی ماه گذشته پیش صاحب فوجداری بر سهیل داک سرکار ارسال می نموده باشند در صورتیکه ارسال آن برداک متعذر باشد هر طریقیکه صاحب فوجداری تجویز نمایند بموجب آن ارسال دارند در صورتیکه پیش صاحب فوجداری به ثبوت رسد که احدی از تحصیلداران و داروغه ها کسی را گرفتار ساخته یا ایست داده یا هیچ یک کار از کارهای عهدی عمد بعمل آورده حقیقت آن بر استی و درستی و بهی مذکور ارقام نه نموده پس صاحب فوجداری را لازم است که کیفیت آن نوشته در حضور گورنر جنرال ارسال نمایند و گورنر معزالبه خواه در باب معزول کردن خواه گرفتن جرمانه حسب التقصیر آنچه در حق او مناسب خوانند دانست حکم خواهند داد و صاحب کلکتر این جرمانه تحصیل کرده بصاحب فوجداری خواهند رسانید و صاحب فوجداری را باید که زر مذکور گرفته بکسی که از تحصیلدار یا داروغه ایذا مذکور رسیده باشد خواهند داد \*

دفعه بیستم

ذکر اینکه تحصیلداران و داروغه ها در صورت مرتکب شدن بکاری خلاف قانون هذا ماخوذ خواهند شد \*

در صورتیکه تحصیلدار یا داروغه هیچیک علاوه یا کسی از عمله او رشوت ستاند یا چیزی زر بزدستی بگیرد یا بدوئی ظلم و بدعت کند یا بارتکاب کاری برخلاف قانون هذا پردازد مظلوم را اختیار است که بدوئی سرا در عدالت دایر و سایر یا بدوئی حرمت بها در عدالت دیوانی مستغاثی شود و صاحبان هر دو عدالت را حکم شد که هر آنچه مقدمه لایقی دفعه هذا پیش آنها رسد بتبعی آن پی برده عند الفکر و العور در باب مقدمات مذکوره هر چه شایسته خود و مقتضی انصاف باشد موافق آن دگویی نمایند \*

دفعه بیست و یکم

صاحبان فوجداری شهر و اضلاع بنارس را باید که بتحصیلداران و داروغه های کار ذکر اینکه صاحبان

قانون شهنامه سنه ۱۲۹۵ هجری

پولیس صلحه ترجمه این قانون بزبان و خط فارسی و بزبان هندی و حرف ناگري بلهند و بر سند و ترجمه ملکور مهر فوجداری و دستخط خود ثبت کنند \*

فوجداری بتحصیلدار و غیره سند و ترجمه این قانون از مهر فوجداری و دستخط خود شایدهند

دفعه بیست و دوم

قواعد مفصل الدلیل برای سرشته های پولیس مقرر است مستقل شهر بنارس و قصبات مرزا پور و غازی پور و چون پور مقرر کرده شد \*

ذکر اینکه قواعد مفصل الدلیل برای شهر بنار و قصبه مرزا پور و غیره مقرر گردیده \*

دفعه بیست و سوم

صاحبان فوجداری شهر بنارس و اضلاع مرزا پور و غازی پور و چون پور را حکم است که شهر و هر یک قصبات مذکور را بطریق وارد اعنی محلات تقسیم سازند و اهتمام محافظت یکیک محله بیکیک کس داروغه یا تحصیلدار معه عماء ضروری علاقه خواهد گرفت و داروغه و تحصیلدار هر یک محله تابع کوتوال شهر یا قصبه خواشند بود \*

ذکر اینکه تقسیم شهر و هر یک قصبه بطریق وارد اعنی محلات خواهد شد \*

دفعه بیست و چهارم

هر یک محله را عدد و نام مقرر خواهد شد و صاحبان فوجداری عدد و نام و وسعت محلات بدین حکم گونیز جنرال تغیر و تمذیل نخواهند کرد \*

ذکر اینکه عدد و نام هر یک محله مقرر خواهد شد و تا که حکم حضور صادر نخواهد شد نام و عددش تمذیل نخواهد گردید \* ذکر اینکه مبلغیکه در باب ضمانت کوتوالان مقرر گردید تا که بدانموجب ضامن نخواهند داد کار نخواهند یافت \*

دفعه بیست و پنجم

کسی را بکار کوتوالی شهر بنارس و مرزا پور مقرر نخواهند کرد تا که بابت ذات خود ضامن مبلغ دو هزار پانصد روپیه و بابت ذات یک یک کس ضامن مبلغ یک هزار دو صد و پنجاه روپیه جمله بابت ذات هر دو کس ضامن مبلغ دو هزار پانصد روپیه همگی بابت ذات خود و بابت ذات ضامن پنج هزار روپیه را ضامن در سرکار داخل نکند و نیز کوتوالان قصبه غازی پور و چون پور تا که نصف ان مبلغ را ضامن نخواهند داد کار نخواهند یافت \*

دفعه بیست و هشتم

حسب الحکم صاحب فوجداری کوتوال که بیاس محافظت شب و روز بر او اینکجه در میخانه و هر جا که شراب بفروشد و بر سر راه و کوچه و هر جا که در شهر بنارس و قصبات مرقومه الصدر مردمان دفعات میلامی کنند مجرم و حراست بعمل آرند محافظان و چوکیداران را مقرر سازد سواي آن محافظان و چوکیداران جمعدار سرشته پولیس هر یک محله را باید که از مردمان متعینه سرشته ملکور نصف مردم

ذکر اینکه سواي محافظان که حسب الحکم صاحب فوجداری کوتوال مقرر سازد جمعدار پولیس هر یک محله را باید که به تناسب مسطور المعتبر

مردم را همراه گرفته از همین غروب خورشید تا دو پاس لیل در تمام محله متعلقه خود گشت کند و داروغه ها را باید که باقی نصف مردم را شامل گرفته از وقت دو پاس لیل تا صبح کاذب در تمام محله متعلقه خود بگردد و مردمان مذکور را باید که در اثنای گشت حتی التوسع شور و غوغا نکنند تا اینکه شمشونیان و دزدان را از رسیدن آنها آگاهی نه شود و نیز مردمان مرقوم را باید که در اوان گشت یکعدد صور همراه دارند و هرگاه بر سر شمشونیان و دزدان و دیگر مفسدان برسند و دان خبر آن بدیگر چوکیداران و سکنائی آن محله یا چوکیداران و نگهبانان دیگر محله ضرورتاً آن ساعت صور مذکور را بنوازند تا اینکه انجماعه بگرفتار ساختن شمشونیان و غیره اعانت نمایند و ماورای اینحال که تذکره اش گردیده صور را هرگز نه نوازند و کوتوالان اهتمام ایند مراتب که جمیع داروغه و متعلقه سرشته آنها کار و خدمات ماموره و مرجوعه خرد ها را آنچه بموجب دفعه هذا معین است بعنوان معقول و بلا تفاوت بتقدیم میرسانیده باشند بعمل آرند و اگر داروغه ها و عمله متعلقه سرشته آنها در یند مراتب مجوز غفلت و قصور بها شوند از حقیقت آن بصاحب فرجداري اطلاع دهند و برای تحقیق اینمعنی که چوکیداران شب کرد و مقامی چطور بانصرام امور مرجوعه خرد ها می پردازند کوتوال خود یا نایب او بموجب حکم صاحبان فرجداري گشت خواهد کرد \*

دفعه بیست و هشتم

بپاس لسانا اینکه از دزدان و دیگر فتنه انگیزان در هیچ یک محله ریش گردیده یا سکونت ورزیده باشند بداروغه آن محله فوراً خبر رسد یکیک کس محله دار و محله داران در هر یک محله معین خواهند گردید و آنها زیر حکم داروغه بوده از هردزد و بدکار که در آن محله بوده باشند خبر آن زودتر بداروغه خواهند رسانید و نیز بهتیارها و بهتیاریان سرای سرکاری و کھات مانجهیان را باید که هر روز خبر آمد و رفت مسافرین و مترددین بکوتوال رسانند تا اینکه دزدان و شمشونیان و غیره اینقسم مردمان در سرا و ناهیت آن سکونت ورزیدن نتوانند و دوم هائیکه بکھات شهر بنارس مقرر اند آنها را نمی باید که لاش کسی هنود بدون حکم صاحب فرجداري سواي اینکه بقضای الهی فوت کند بسوختن دهند \*

دفعه بیست و هشتم

در شهر بنارس چند کورث اعنی محوطه است که صرف یکدروازه جهت آمد و رفت ذکر اینکه چوکیدارانیکه

مردمان وارد و چوکیدارانیکه در اینجا مقرر اند از ساکنان آن محوطه مشاخره می یابند آن همه چوکیداران را باید که یوم بیوم نزد داروغه آن محال و قوعاتیکه تعلق از پولیس دارد با اطلاع آن بردارند و اگر صاحب فرجداري دریافت نمایند که این چوکیداران نلایقی اند بعوض آنها دیگرانرا مقرر خواهند ساخت و از ساکنان آن محوطه مشاخره چوکیداران ملکورین خواهند دهانید و آنچه حکم به نسبت محوطه ها بدفعه هذا مندرج میگردد همان حکم در تمامي شهر بنارس و قصبه مرزا پور و غازی پور و چون بور نالند خواهد شد \*

دفعه بیست و نهم

سواي سرکاري اند هر روز بلا عذر نزد داروغه آن محال خبر واردات محوطه خواهند رسانید \*

ذکر اینکه کو توالان و داروغه هارا باید که خونیان و مخمر نیان و غیره بد کاران را گرفتار ساخته در ساعات معینه پیش صاحب فرجداري روانه نمایند \*

کو توالان و داروغه ها را باید که جمیع خونیان و شمشونیان و دزدان و نقب زنان و دیگر مردمان مفسد و اوباش و بدکاران مظنه را که در وارد متعلقه آنها اوار کي دارند و ظاهرا وجه گذران آنها هیچ نباشد و به بتبیین کویف حالات خود ها کما ینمفي نتوانند پرداخت گرفتار نمایند اما تحصیلداران را باید که ازین قبیل مردمان هر کس را از حین طلوع تا غروب خورشید اعني در یوم گرفتار سازند بمجرد گرفتار ساختن بکچهری کو توالی آنجا رسانند و هر کس را که از حین غروب تا طلوع خورشید اعني در لیل گرفتار سازند صبحي آن بکچهری مذکور رسانند و هر یک کو توال را باید که هر کس را که او یا داروغه در دیشب گرفتار کرده باشد پیش از یازده ساعت انگریزی که عبارت از یکپلس پنج شش کهری است نزد صاحب فرجداري آنجا رساند و بکو توالان و تحصیلداران ممانعت کلي است که بعد ساعت مذکور هیچکس را نزد خود ها در قید نداشت \*

دفعه سی ام

ذکر اینکه کو توالان و داروغه هانچو مردمان گرفتار ساخته خود هارا کلداشتن نخواهند توانست الا در حالات مرقومه دفعه هذا \*

بکو توالان و داروغه ها ي وارد حکم است که کسانی را که گرفتار نمایند بدون صدور حکم صاحب فرجداري از قید نگذارند الا در باره گذاشتن کسانی که در معاملات زد و کوب و غیره ماورای معامله د زدی گرفتار آیند و در انفصال معامله آن صاحب فرجداري مختار اند بکو توالان و داروغه های مذکور اختیار است بدینوجه که پیش روانه گردیدن آنها نزد صاحب فرجداري مدعي بخواهش خود راضینامه متضمن بر باز آمدن از استغائه مذکور و مدعي علیه نیز راضینامه مشتمل بر قبول کردن آن داخل سازد و باید که بران راضینامه ها کواهي دودوکس کواه معتبر باشد و داروغه ها را لازم است که راضینامه های مذکور را بروز دوم داخل گردیدن آن بکو توال رسانند و کو توال را باید که راضینامه های مرقوم را بروز یافتن آن معه دیگر هیچکي کاغذات هر چه به یوم یا لیل گذشته نزد او داخل گردیده باشد پیش صاحب فرجداري بگنارند \*

دفعه سی و یکم

شرکاه مردمان مفسد و بد کار و غیره اینقسم مردمان پیش صاحب فوجداری شهر بنارس و اضلاع مرزاپور و غازی پور و چونپور روانه شوند صاحبان موصوفین را لازم است که نسبت بانها احکامیکه تنفیذ آن نسبت بالینچنین کس بموجب دفعه دهم بر صاحبان فوجداری اضلاع مذکور واجب است همان احکام بعمل آرند \*

ذکر اینکه صاحبان فوج داری را باید که بر مردمان مفسد و رند مشرب و غیره اجرائی احکام بموجب دفعه دهم نمایند \*

دفعه سی و دوم

امورات داروهای وارد و کوتوالان منحصر برین است که بروفق مندرجه صدر مردمان متهم جرایم را گرفتار ساخته پیش صاحبان فوجداری شهر و اضلاع مذکور بفرستند و کوتوال و داروهای مرقومین بتجهیز و انحصال هیچیک مقدمه نه پردازند و جرمانه از مدعی و مدعی علیه یا دیگر کسی نگیرند و بکسی سزاندهند \*

ذکر اینکه داروهای وارد و کوتوالان مردمان متهم جرایم را گرفتار کرده نزد صاحب فوجداری روانه نمایند و در هیچیک معامله بتجهیز و تنقیح پردازند \*

دفعه سی و سوم

انعامیکه باعث گرفتار ساختن شیخو نیان و پیدا ساختن مال مغرورته و مسروقه بموجب دفعه هفدهم قانون هذا برای تحصیلداران پولیس اضلاع مرقومه الصدر معین است کوتوالان و داروهای هر سه قصبه مندرجه صدر نیز همان قدر انعام خواهند یافت \*

ذکر اینکه انعامی که تحصیلداران جهت گرفتن گنهکاران خواهند یافت کوتوالان و داروهای هر سه قصبه همان دستور خواهند یافت \*

دفعه سی و چهارم

کار و خدماتیکه به تحصیلداران پولیس مطابق دفعه هجدهم قانون هذا تعلق گرفته همانند کار و خدمات ذمه داروهای هلی و ارد شهر بنارس و قصبه مرزا پور و غازی پور و چونپور ملزوم خواهد شد \*

ذکر اینکه سبیل تحصیلدار و داروهای یکشان خواهد بود \*

دفعه سی و پنجم

از روی دفعه بیستم و دوم این قانون در صورتیکه احدی از تحصیلداران پولیس بدعت کند یا رشوت ستاند یا چیزی زر به چهر گیرد یا کاری خلاف قانون بعمل آورد ستم رسیده را اختیار است که استغاثه آن بعدالت دایر و سایر یا عدالت دیوانی نماید و نیز اگر احدی از کوتوالان و داروهای وارد شهر بنارس هر سه قصبه مرقومه الصدر مرتکب بالفعل مدمومه مذکوره شود مظلوم را اختیار است که نالش آن بعدالت هلی مذکور نماید \*

ذکر اینکه اگر کسی از تحصیلداران و غیره ظلم کند یا افعال مدموم از او سرزند مظلوم اختیار دارد که نالش آن بعدالت دایر و سایر یا دیوانی نماید \*

قانون هفدهم سنه ۱۷۹۵ هيسويه

دفعه نهم و هشتم

ذکر اینکه صاحبان فوجداري شهر بنارس و قصبه مرزپور و غازي پور و جون پور را بايد که کورتوالان و داروغهاي وارد متعلقه خود را سند عهده آنها مع ترجمه قانون هدا بخط و عبارت فارسي و ناگوي بدهند و بر اسناد و ترجمه ها ملکور مهر و دستخط خود ها ثبت نمايند \*

صاحبان فوجداري شهر بنارس و قصبه مرزپور و غازي پور و جون پور را بايد که کورتوالان و داروغهاي وارد متعلقه خود را سند عهده آنها مع ترجمه قانون هدا بخط و عبارت فارسي و ناگوي بدهند و بر اسناد و ترجمه ها ملکور مهر و دستخط خود ها ثبت نمايند \*

A TRUE TRANSLATION,

H. P. FORSTER.

## قانون هجدهم سنه ۱۷۹۵ عيسوي

قانون درباب اجرا نمودن قانون هجدهم سنه ۱۷۹۳ عيسوي در شهر و اضلاع بنارس که مشتمل است در باب مکمل داشتن دفاتر عدالتهای ديوانی و فوجداری و متضمن بر تاکیدات اینکه صاحبان عدالتهای اضلاع و شهرها فهرست ماهوارې مقدمات انفصالي خودها پیش صاحبان عدالتهای اپيل مفصل و صاحبان عدالتهای اپيل مفصل فهرست ماهوارې مقدمات اپيل وغيره انفصالي خودها پیش صاحبان صدر ديواني عدالت ميفرستاده باشند واقع بتاریخ بیست و هفتم ماه مارچ سنه ۱۷۹۵ عيسوي مطابق شانزدهم ماه چیت سنه ۱۲۰۱ بنکله موافق بیست و یکم ماه چیت سنه ۱۲۰۲ فصلي مطابق شانزدهم ماه چیت سنه ۱۲۰۲ ولایتي موافق بیست و یکم ماه چیت سنه ۱۸۵۲ سنیت مطابق پنجم شهر رمضان سنه ۱۲۰۹ هجري \*

### دفعه اول

مقدمه بهوجباتیکه قانون هجدهم سنه ۱۷۹۳ عيسوي در باره مکمل داشتن دفاتر عدالتهای ديوانی و فوجداری و ارسال نمودن فهرست ماهوارې مقدمات انفصالي اپيل صوبجات بنکلا و بهار و اودیسه مقرر گردیده و ذکرش بدیباچه اش در آمده بدانموجب ضرور است که احکام قانون مذکور بشهر و اضلاع بنارس جاری گردد لهذا حکم مرقومه الذیل صادر گردید \*

### دفعه دوم

از روی دفعه هذا قانون هجدهم سنه ۱۷۹۳ عيسوي بشهر و اضلاع بنارس جاری خواهد شد \*

ذکر جاری کردن قانون هجدهم سنه ۱۷۹۳ عيسوي در بنارس \*

A TRUE TRANSLATION,  
H. P. FORSTER.

